

تحلیلی بر الگوی کدگذاری متأثر از قدرت در لایه‌های متنی میدان بهارستان

مریم محمدی*¹ و مینا اسدی²

تاریخ دریافت: 1399/07/15

تاریخ پذیرش: 1400/01/20

چکیده: بی‌تردید خالی شدن بیشتر فضاهای شهری، به ویژه میادین مهم و اثرگذار تاریخی-حکومتی از حضور شهروندان، نشأت گرفته از نیروهایی است که فضا را به سمت‌وسویی خاص هدایت می‌کند و سبب نوعی سلطه‌گری بر محیط، بر خلاف منفعت عمومی می‌شوند؛ که اثرگذارترین آن‌ها، عامل قدرت است. این عامل با به‌کارگیری مفهوم ایدئولوژی در یک جامعه، فضای عمومی شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر حسب اهداف نظام سیاسی حاکمیت، به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق صاحبان قدرت، ذهنیت و عینیت فضا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. صاحبان قدرت، می‌توانند در ارتباط با نیروهای قدرت سیاسی شامل ارگان‌ها و سازمان‌هایی باشند که با عاملان طرح‌های پیشنهادی و اجرایی ارتباط مستقیم دارند و در کنار طراحان و برنامه‌ریزان سهم بزرگی در تکوین فضاها ایفا می‌کنند. هدف این تحقیق، تحلیل الگوی کدگذاری در میدان بهارستان به مثابه میدانی تقریباً سیاسی است. با ذکر این نکته که لایه‌های متنی میدان مشتمل بر لایه فضای عینی و ذهنی است، این پژوهش تأثیر قدرت را بر دیالکتیک فضای عینی-ذهنی مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته و مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی و شناسایی رمزگان‌ها و دلالت‌های معنایی بر آن است تا مشخص نماید فضای میدان منتخب، عرصه‌ای است هژمونیک و یا غیر هژمونیک. در این مقاله در تحلیل لایه قدرت (در برنامه‌ریزی) به‌عنوان عامل مداخله‌گر، اسناد و طرح‌های فرادست به‌عنوان متون نوشتاری و با رویکردی کارشناس محور بررسی شده‌اند. در بررسی لایه عینیت فضا که با هدف شناسایی مصادیق عینی (رمزگان‌های عینی) صورت گرفته، رمزگان‌ها در پنج بعد حرکت و دسترسی، بصری، زیست‌بوم، عملکردی و ریخت‌شناسی، با روشی کیفی و کارشناس محور شناسایی شده‌اند. به منظور خوانش دلالت‌های معنایی کاربران فضا که منتج از نوع کدگذاری است (یعنی لایه ذهنی)، از روش پرسشگری 92 پرسش‌نامه در میان سه گروه غیر رسمی، مردم عادی و شاغلان توزیع شد) استفاده شده و داده‌ها به صورت کمی تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که برنامه‌ریزی و طراحی فضا متأثر از قدرت بوده و الگوی کدگذاری هژمونیک است؛ دلالت‌های معنایی در لایه عینی و ذهنی فضا، نقطه تأکیدی بر این موضوع است. بر اساس نتایج، بعد حرکت و دسترسی، عملکردی و بصری بیشترین تأثیرگذاری را بر هژمونیک بودن فضا داشته و بعد ریخت‌شناسی و زیست‌بوم تأثیرگذاری کمتری را بر ادراک هژمونیک بودن فضا دارند. به نظر می‌رسد برای تعدیل فضای هژمونیک، می‌توان با ایجاد تغییرات در کدگذاری فضا و بهره‌مندی از رمزگان‌های فرهنگی که با هدف تغییر ساختار نظام قدرت در فضاهای عمومی شهری ارائه می‌شوند، فضا را به سمت فضای مردمی رهنمون کرد.

واژگان کلیدی: قدرت، رمزگان، الگوی کدگذاری هژمونیک، میدان بهارستان.

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری نویسنده دوم است که با عنوان «تحلیلی بر تأثیر الگوی رمزگذاری هژمونیک بر برون‌دادهای رفتاری کاربران فضا، نمونه موردی: میدان بهارستان» در سال 1399 به راهنمایی نویسنده اول در دانشگاه هنر دفاع شده است.

¹ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.mohammadi@art.ac.ir

² کارشناس ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.



1- مقدمه

میدان شهری عرصه تبلور حیات مدنی و مکان‌هایی برای بیان جلوه‌های حضور آزاد شهروندان در شهر هستند (Masoudniya and Mahdipour, 2010). شکل‌گیری فضاهای شهری، نمود کالبدی نیروهای متفاوتی است و بنا به گفته لفور، محصول نیروهای ایدئولوژیک، اقتصادی و قلمرو قدرت هستند و به دنبال تعیین حدود، تنظیم و کنترل فعالیت‌هایی هستند که در درون و به واسطه آن‌ها رخ می‌دهند (Lefebvre, 1991). امروزه بیش از هر دوره، شکل‌گیری و توسعه فضاهای شهری، در گرو عمل طراحان است، در شرایط کنونی، بیش از هر دوره، شکل‌گیری و توسعه فضاهای شهری، در گرو عمل طراحان است، که در مواردی می‌توان از آن‌ها، به عنوان نیروهایی در خدمت قدرت سیاسی نیز نام برد. برای مثال اعمال قدرت از طریق طرح و برنامه‌ریزی فضا می‌تواند محدودیت حضور استفاده‌کنندگان و کنترل رفتارها مؤثر باشد. برای نمونه ممکن است در یک میدان سیاسی و مدنی، به منظور کاهش تعاملات و برخورد آرا کاربران، فضا را به گونه‌ای سازماندهی و طراحی نمود که فضا و رفتار قابل کنترل باشد. با این توضیح، مسأله این پژوهش آن است که چگونه کدگذاری در یک فضا و دلالت‌های معنایی در متن آن، می‌تواند به عنوان بستری کنترل و محدود کننده و یا بستری تسهیل‌گر و غیرکنترلی محسوب شود؟ پرسشی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان فضایی هژمونیک را از عوامل سلطه و کنترل تعدیل نمود؟ به منظور بررسی این موضوع، فضای شبه سیاسی و مدنی میدان بهارستان مورد توجه قرار گرفته است. این میدان به دلیل حضور کاربری‌ها و عملکردهای مستقر در آن، با اعمال قدرت، محدودیت‌هایی را برای حضور و فعالیت کاربران ایجاد می‌نماید. بنابراین هدف کلی پژوهش شناسایی عوامل و عناصر مؤثر بر ایجاد محدودیت و کنترل و یا عدم سلطه (غیرهژمونیک) در میدان بهارستان است؛ بدین منظور بررسی لایه‌های معنی میدان در قالب لایه‌های قدرت، فضای عینی و ذهنی بررسی و با شناسایی رمزگان‌ها و دلالت‌های معنایی آن، الگوی کدگذاری در فضا که

نشان‌دهنده‌ی نحوه‌ی حضور و فعالیت در فضا است، مشخص می‌گردد.

1-1- مروری بر پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه‌ی پژوهش مربوط به حوزه‌های دانشی مرتبط با موضوع می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد. پژوهش‌هایی چون «سلطه و فضای شهری» که در سال 2018 توسط ر. میژکا و همکاران¹ نوشته شده به تأثیرپذیری عوامل ایدئولوژیک حاکم در منظر شهری پرداخته‌اند، که تأثیر قدرت در ایجاد فضاهای مرکزی در شهرها را از بعد نشانه‌شناسی بررسی می‌کند (Myszka et al., 2018). کیم داوی² در کتاب خود با عنوان «ساخت و پرداخت فضاها» دخالت قدرت در فرم را مورد توجه قرار می‌دهد (Dovey, 2002). مک گوریک (1995) در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت و تأثیرگذاری در برنامه‌ریزی شهری: منافع خصوصی و اجتماعی مؤثر در سیستم برنامه‌ریزی شهر»، به بررسی قدرت و اثرگذاری آن بر میزان تأثیر نیروی مردمی در شکل‌گیری فضا پرداخته است (Guric, 1995). از بین نمونه‌های داخلی نیز می‌توان مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به نقش دولت در تقویت فرهنگ مشارکت شهروندان» که توسط حسین رحمت‌اللهی و همکاران به نگارش درآمده است، اشاره کرد. در این مقاله فرض شده که تکلیف دولت در مشارکت‌پذیری شهروندان، تحلیل نقش دولت در تقویت فرهنگ مشارکت عمومی است. به باور نگارندگان، خواست و اراده واقعی دولت در مسیر جلب مشارکت مردم نقشی تعیین‌کننده و انکارناپذیر دارد. همچنین مشارکت مردم از عوامل اساسی دموکراتیک قلمداد شدن نظام سیاسی است که جز از طریق توسعه و تقویت فرهنگ مشارکت محقق نمی‌شود. از این‌رو، دغدغه پژوهش یاد شده، ایجاد بسترهای فرهنگی و تأکید بر گام‌هایی ضروری از جمله آموزش شهروندان، جامعه‌پذیرسازی، جهت‌بخشی به مشارکت و سامان‌دهی گروه‌های مؤثر در قدرت است (Rahmatolahy et al., 2017). در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظری کارکردهای قدرت سیاسی در فضای شهری»، مهم‌ترین فرآیندهای سیاسی فضا ساز در

می‌شود. در واقع شکل مشخص علائم، نشانه‌ها، نمادها و رمزگان به نظر می‌رسد، مادی باشد که بتوان آن‌ها را از طریق حس دریافت کرد. در مقابل برخی اصالت را به نقش افراد می‌دهند، معانی را زاده ذهن افراد می‌دانند و نقش محیط را کم‌رنگ می‌بینند. در این باره شولتز می‌گوید که فرم فیزیکی نشانه‌ها و نمادها به نسبت تصادفی است و صرفاً وسیله‌ای بالقوه برای رساندن معنا هستند (Madanipour, 2010). بیشتر صاحب‌نظران، معنا را پدیده‌ای چندگانه می‌دانند که نتیجه برهم‌کنش لایه‌های مختلفی از زندگی افراد و اجتماعات در فضاهای کالبدی است. در کنار وجوه کالبدی مکان، وجوه اجتماعی در معنا در ارتباط عواملی چون تاریخ، تجربه، فرهنگ و... مورد توجه قرار گرفته است (Yeoh and Kong, 1997). از آنجایی که معنا به عنوان مهم‌ترین متغیر در درک محیط به چگونگی واکنش رفتار مردم در برابر محیط می‌پردازد، باید توجه داشت که خلق معنا فرآیندی منفعل نیست که ذهن اطلاعات حسی را بگیرد و آن را براساس قوانین تداعی معنی به هم متصل کند. بلکه فرآیندی فعال و خلاق است که هم‌عینیت را دربرمی‌گیرد و هم‌ذهنیت را و طی این فرآیند، یک واحد را تشکیل می‌دهد. در نتیجه امری مطلق به حساب نمی‌آید و کاملاً نسبی و رابطه‌ای است. هایدگر و گادامر نیز معتقدند که تولید معنا، مستلزم رابطه‌ای دیالکتیک میان سازنده، استفاده‌کننده و تعامل بین آن‌ها است (Benton and Craib, 2017).

فرهنگ: در واقع فرهنگ، مجموعه‌ای عواملی را در بر می‌گیرد که بسترساز عمل اجتماعی است. یعنی هر فعلی که می‌خواهد شکل بگیرد و هر رفتاری که می‌خواهد از فرد در ظرف جامعه و حیات جمعی بروز پیدا کند، باید طبیعتاً در بستر فرهنگ شکل بگیرد. فرهنگ مجموعه گسترده‌ای از ارزش‌ها، باورها و ایدئولوژی‌های جمعی است که ساختار ذهنی و ادراکی تک تک افراد جامعه را شکل می‌دهد. پیتز هال معتقد است که بشر عملاً هرچه هست و هر کاری انجام می‌دهد با درک او از فضا همبستگی دارد و درک بشر حاصل ترکیبی از داده‌های حسی است. اما انگاره و الگوسازی هر کدام از طریق فرهنگ صورت می‌پذیرد، مردم با فرهنگ‌های

سکونتگاه‌ها و فضاهای شهری بررسی شده است (Lashgari et al., 2017). در مقاله‌ای دیگری با عنوان - «به‌سوی فرآیندی دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران»، به علل نبود زمینه مداخله دموکراتیک برای شهروندان در فرآیندهای توسعه شهری پرداخته شده و به راه‌حلی برای برون‌رفت از این معضل اجتماعی عمیق و گسترده پرداخته است (Barati et al., 2019). پژوهش دیگری، با عنوان «تحلیل بینانسان‌های روابط فرم و فضا»، چهار رمزگان کلی، رمزگان ابعاد فیزیکی، بصری، معنایی و بعد پنهان اشاره شده و بر اساس رمزگان‌های یاد شده روابط فضایی فرم با سایر فرم‌ها و روابط با فضا مورد بررسی قرار گرفته است (Amraei, 2014). می‌توان بیان نمود که پژوهش‌های انجام شده به صورت جداگانه تأثیر یک عامل از منظر کالبدی و یا انضمامی در فضای شهری را بررسی نموده‌اند. پژوهش پیش رو به بررسی تأثیرگذاری عوامل سازنده فضای شهری در قالب لایه‌های متنوع و تأثیرگذاری آنها بر میزان هم‌مونیک یا غیر هم‌مونیک شدن فضا با دیدگاه طراحی شهری پرداخته است و در عین حال از روش پژوهش کمی و کیفی (آمیخته) و مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی (شناسایی رمزگان‌ها و دلالت‌های معنایی) بهره برده است.

1-2-1- چارچوب نظری

1-2-1-1- تشریح مفاهیم کلیدی پژوهش

معنا: تعاریف گوناگونی در رابطه با معنا وجود دارد که تشریح کامل آن‌ها خارج از حوصله این متن است، لذا به موارد مرتبط با مسأله اصلی پژوهش بسنده می‌شود و معنا از حیث تأثیرگذاری بر فضا از طریق نشانه‌ها مورد بازبینی قرار می‌گیرد. برخی از صاحب‌نظران اصالت وجودی هر چیزی را به نشانه و نمود فیزیکی نسبت می‌دهند و معنا را در آن جستجو می‌کنند و بعضی دیگر این علائم را واسطه و مجرای می‌دانند که انسان معانی خود را به آن‌ها نسبت می‌دهد. در هر دو تعریف، نقش محیط بسیار پررنگ‌تر دیده می‌شود و در برخی موارد معنای محیط مستقل از افراد سنجیده



مختلف، جهان‌های حسی متفاوت دارند، چون در اعماق سیستم عصبی انسان نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک و دریافت او از جهان است (Ozaki and Coolen, 2005). در واقع می‌توان گفت زمینه اصلی شکل‌گیری و درک معانی محیط، فرهنگ است. زیرا سیستمی از مفاهیمی است که در شکل نمادین نیز بیان می‌شود و با آن، مردم ارتباط برقرار می‌کنند و دانش خود را نسبت به زندگی جاودانه می‌سازند (Manzo, 2005). شاید نتوان تعریف واحدی از فرهنگ ارائه داد چراکه یک مسأله عام و کلی است اما محتوای هر یک، حکایت از معرفت مشترکی دارند که بین افراد و اقشار و گروه‌های مختلف جامعه مشترک است. اگر از این زاویه نگاه شود خواه‌ناخواه سیاست را هم در بر می‌گیرد، چون به هر حال در پشت سیاست، نیز یک اندیشه حاوی باور وجود دارد (Afrough and Oliaei, 2019). با این توضیح چنانچه نوع کدگذاری در فضا، نه نشأت گرفته از فرهنگ و بستر، بلکه به‌شیوه‌ای هژمونیک باشد، الگوی کدگذاری غیر فرهنگی است. از همین رو است که در این پژوهش، فرهنگی مقابل هژمونیک قرار گرفته است.

قدرت: قدرت مفهومی است که مفاهیم مرتبطی از قبیل اجرا، زور، تهدید، اقتدار و نفوذ را پوشش می‌دهد تا خود رویت شود. فوکو نیز معتقد است که قدرت طرد، سرکوب، جلوگیری و سانسور می‌کند، انتزاع می‌نماید، پنهان می‌کند و می‌پوشاند. در واقع قدرت واقعیت‌ها و آیین‌های حقیقت را تولید می‌کند (Focault, 2011). براساس دیدگاه وی برای بقا، نیاز به دیده شدن همیشگی وجود دارد و زمانی حضورش همیشگی خواهد بود که به طرق مختلف از جمله تجلی‌های مادی اعمال شود. اعمال قدرت جز با سلطه محقق نمی‌شود؛ که نتیجه چنین روندی خطراتی را در کاهش امنیت حیاتش در پی دارد (Daniyali, 2014)؛ که می‌تواند آرام و غیر نمایشی به صورت بی‌وقفه اعمال قدرت نماید. بدین ترتیب قدرت، شبکه‌ای است که همه در آن گرفتار هستند (Dreyfus and Rabinow, 2019). بدین معنا که نهادهای مختلف قدرت، آن‌را در دست گرفته و هر کدام با توجه به عملکرد خود، مفهوم و

ترجمه جدیدی از قدرت تحت لوای آیین‌نامه انضباطی ارائه می‌دهند (Zimran, 2014). دامنه قدرت در زمینه‌های مختلف گسترده است، لذا در موارد مرتبط با پژوهش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در کنار نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در شکل‌گیری فضاهای شهری از آن صحبت می‌شود. هدایت تحولات یک فضا در حوزه شهر در قالب اجرای طرح‌های توسعه شهری، نیازمند دانش کافی از چگونگی اعمال آن‌ها در ایجاد فضا هستند (Soltani and Namdarian, 2011) که این عوامل مؤثر، قدرت نامیده می‌شوند و به صورت‌های مختلف بر فضاهای شهری تأثیر می‌گذارند (Shieh et al., 2017). در واقع قدرتی که بتواند حرکات کالبدی را در کنترل خود بگیرد و آن‌ها را هدایت، سانسور، ممنوع یا تشویق کند، می‌تواند بر درک از فضا تأثیر بگذارد و معناهای مختلف از جمله معنای فرهنگی را محو کند و بنابراین غیر فرهنگی است.

هژمونی: فوکو قدرت را به مثابه سلطه و رابطه می‌داند؛ و پرسش وی صرفاً «چیستی» قدرت نیست، بلکه نحوه عملکرد آن است (Davoudi, 2011). این فهم از قدرت، کمک می‌کند تا نتیجه پژوهش، به بیانیه‌ای سیاسی صرف تبدیل نشود و از واقعیت‌هایی دیگری که در رابطه قدرت در فضا وجود دارد، مصون بماند. بنابراین محدودیت هر گونه رفتار و عدم کشف معانی و واکنش‌های مختلف به محیط در فضایی که مختص مردم است، نوعی تسلط (هژمون) بر آن‌ها به شمار می‌رود. دلایل مختلف سیاسی، حکومتی، اجتماعی، فرهنگی و...، در ایجاد فضای هژمونیک -خواه عینی و خواه ذهنی- دخیل هستند. همچنین عوامل مختلف در ابعاد گوناگون، سبب به‌وجود آمدن فضایی می‌شود که نوعی تسلط در فضا را سبب شده و بنابراین فضایی هژمونیک را ایجاد می‌کند. ارتباط تنگاتنگی بین قدرت و هژمون (سلطه) وجود دارد و یکی از مهمترین عوامل یا زیرمجموعه‌های فضاهای هژمونیک، نیروی قدرت است که در ساختار یک فضا، از طریق نموده‌های مختلف، محدودیت‌هایی را برای فعالیت و رفتار استفاده‌کنندگان ایجاد می‌کند. همان‌گونه که فوکو بیان می‌کند، پرسش مهم این نیست که صرفاً چه کسی بر دیگری اعمال

عناصر شهری همگی در بستر زمان معنا می‌یابند و گاه معنای محیط به دلیل اتفاقات و توسعه‌های متفاوت و گاه نیز به دلیل اعمال آگاهانه کاربران تغییر می‌کند (Manzo, 2005). شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های محیطی گذشته بر معنای حال مکان‌ها مؤثر هستند و روی کار آمدن حاکمان جدید، رونمایی قدرت جدید را نیز می‌طلبد؛ که تغییر هر یک از آن‌ها سبب تغییر در نوع مکان و فضاها می‌شود. در این میان بستر موجود نقشی اساسی در بررسی و تحلیل عواملی که سبب هژمونیک شدن فضا یا غیر آن شود، دارد. هر بستری یک عامل قدرتمند دارد که فضا و عوامل وابسته به آن را شکل می‌دهد. از جمله افرادی که به‌طور خاص به رابطه‌ی بین قدرت و فضا پرداخته‌اند، کیم دیوی (2010) است. او در کتاب خود³ به این مسأله می‌پردازد که چگونه محیط‌های ساخته شده معماری و طراحی شهری به عنوان میانجی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند و این‌که چگونه با اتاق‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و شهرهایی که در آن به سر می‌بریم، زندگی ما شکل داده می‌شود و درک محیط خوانش پذیرتر می‌شود (Dovey, 2010). علاوه بر موارد عنوان شده تحت کلیت موضوع، موضوع بازنمایی‌های سیاست در فضای شهری قابل توجه است. به‌طور کلی منظور از فضاهای شهری و در بطن واژه، فضای عمومی به معنای همه فضاهای فیزیکی در درون قلمرو غیر خصوصی فضای جغرافیایی است و می‌تواند شامل میدان‌های رسمی (بستر منتخب پژوهش)، خیابان‌ها، مراکز خرید، پارک‌ها، سینماها، مساجد و... باشند. بنابراین این مفهوم، شامل فضاهایی است که دسترسی همگانی را می‌پذیرد، خواه در مالکیت عمومی، خصوصی اشتراکی و نامشخص باشد و مرزهایی که ممکن است در گذر زمان تغییر کند (Ashrafi et al., 2014). در نتیجه می‌توان گفت فضای عمومی دارای دو جزء اساسی حاکمیت قانون اساسی و دسترسی پذیری برای شهروندان است و می‌توان آن را عرصه رقابت و منازعه بازیگران و گروه‌های فعال با ایدئولوژی‌های آشتی‌ناپذیر تعبیر نمود که در آن نوعی دسترسی و تعامل مبتنی بر

قدرت می‌کند؛ بلکه شبکه‌ای از کنش و واکنش‌های قابل بررسی است (Jalali, 2009). بنابراین اعمال قدرت از طریق هژمون یا سلطه در فضا، واکنشی چون کاهش تنوع رفتاری، و نوعی عمل سیاسی در فضا است. ایدئولوژی: هر جامعه‌ای دارای ویژگی‌های خاص خود (شیوه تولید، مذهب، حکومت، روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و...) در زمان‌های مختلف است (HoseynPourbeyji, 2013)، که تحلیل آن در شناخت جامعه و مسیری که هر جامعه‌ای را به موقعیتی که هست رسانده، کمک شایانی می‌کند؛ چراکه ایدئولوژی بر پایه‌ی تفسیر گذشته، حال را توضیح می‌دهد، تصویری از آینده را عرضه می‌کند و نیز اهداف و حدود قدرت سیاسی را مشخص می‌نماید. تمامی ویژگی‌هایی که برای قدرت ذکر شد (مانند: سرکوب، فریب و...) از طریق ایدئولوژی و گاهی در نقش نیروی انتظامی، تبلیغات، عناصر خاص کالبدی و مواردی از این دست قرار می‌گیرد؛ که از آن به‌عنوان نماد و یا نشانه نیز یاد می‌شود. در واقع نمادها، نشانه‌ها و عناصر بصری موجود در فضای عمومی شهرها نیز غالباً بر گرفته از خواست و اراده عاملان سیاست و تعریف‌کنندگان ایدئولوژی است. در این راستا نمایش سیاست حکومت‌ها در نمادهای بصری شهر و ترویج آن در اذهان بصری شهروندان، نمایان‌گر حضور قدرت در فضاهای عمومی شهری است (Van Dijk, 2016). از سویی ایدئولوژی را می‌توان رشته‌ای نظام‌دار و هم‌پیوند از اندیشه‌ها دانست که به قضاوت در مورد سازمان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه می‌پردازد و تعیین کننده کمال مطلوب‌ها، اهداف و مقاصد است که جامعه باید آن‌ها را پی‌گیری کند. این امر نتیجه نوعی از دانش است که به‌واسطه فضاگردانان برای مدیریت و برنامه‌ریزی در یک فضا به‌کار گرفته می‌شود (Bashiriyeh, 2016). این گونه ایدئولوژی که گاهی بر فضا به‌کار گرفته می‌شود، می‌تواند در ساختارهای متفاوت زمانی و مکانی بر دانش مختص به زمینه نیز غلبه نماید (Lashgari et al., 2017). بستر زمانی و مکانی: زمان تعیین کننده شرایط حاکم بر مکان‌ها است (Yeoh and Kong, 1997). محیط‌ها و



قدرت و قرارداد اجتماعی حاکم است (Foucault, 1990).

گفتمان و الگوهای گفتمانی حاکم بر فضا: واژه گفتمان در طول زمان توسط محققان رشته‌های مختلف به کار رفته است که مفهوم کلی آن‌ها در حیطه زبان، گفتار، ارتباط، جامعه و فرهنگ آمده است. فوکو نیز گفتمان را تلاقی قدرت و دانش، معنا می‌کند؛ و هر رشته خاص از دانش در هر دوره خاص تاریخی، مجموعه‌ای از قوانین ایجابی و سلبی دارد که معین می‌کند درباره چه چیزهایی می‌توان بحث کرد. به عقیده وی تمامی کارکردهای اجتماعی و روابط بین نهادها (اعم از سیاسی، حقوقی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و...) از طریق امکان‌های گفتمانی تعیین می‌شوند، به بیان دیگر گفتمان ابزاری برای تولید و سازمان دادن معناها درون یک زمینه اجتماعی است. ون دایک نیز آن را رویدادی ارتباطی می‌داند که می‌تواند تعاملات محاوره-ای، متن نوشتاری، حرکات بدن، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی مرتبط با دلالت‌های معنایی را دربرگیرد (Zimran, 2014). در ادامه انواع الگوهای گفتمانی مؤثر بر فضا بررسی می‌شوند. این بررسی نشان می‌دهد که چگونه معنا و نشانه در فضا تحت تأثیر عواملی چون ایدئولوژی، فرهنگ، دانش و اقتصاد قرار می‌گیرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سه الگوی ایدئولوژیک، نخبه‌محور و اقتصاد محور، کنش کمتر افراد را در پی داشته و دلالت‌های معنایی منتج از آنها، فضا را با اهداف خاص شکل می‌دهد.

الگوی گفتمان مبتنی بر ایدئولوژی: جناح‌های سیاسی، احزاب، اشخاص و برخی گروه‌ها، فضای عینی و ذهنی را برای تأکید و گسترش قدرت و ایدئولوژی یا به عبارت دیگر، ایجاد فرهنگ رسمی خودشان به کار می‌گیرند. این جدال بر سر قدرت در فضا رخ می‌دهد که در ایجاد زمینه‌ای مبهم مؤثر است (Khojamli, 2016) به نقل از (Vannieuwenhuyze, 2014) شکل مشارکت گفتمان سیاسی به منظور فهم نقش آن مهم است. جهت گفتمان سیاسی همیشه از یک جهت به جهات دیگر است (از سیاست‌مدار و صاحبان قدرت به شنوندگان) و توسط سخنرانان مشروع دو فضای عمومی زیر تولید

می‌شود: (1) فضای وقایع رودرو (نشست‌ها، تظاهرات، مبارزات انتخاباتی سیاسی و...؛ (2) در اشکال رسانه‌ای (مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی با سیاست‌مداران، بحث‌ها، پخش جلسات پارلمان و...). گفتمان‌سازی به-طور ذاتی، از روابط نامتقارن بین جامعه‌ی مدنی و سیاست‌مداران نهادی پایه‌گذاری شده بر اساس توزیع نابرابر منابع اجتماعی، و نقش‌هایش در دموکراسی مواردی را پنهان می‌کند که منجر به طبیعی‌سازی ایدئولوژی جدید می‌شود (Khojamli, 2016) به نقل از (Cáccamo and Vázquez, 2003).

الگوی گفتمان در تعامل با نخبگان: سیاست‌های اتخاذ شده توسط نخبگان از اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده به فضاهای شهری و خلق فضاهای نمادین در شهرهاست. عموماً این فضاهای نمادین به‌طور گسترده‌ایی از عقبه ایدئولوژیک و سیاسی این نخبگان متأثر است و هم‌زمان ایدئولوژی‌ها و آرمان‌های جامعه شهری را نیز منعکس می‌کند، این نخبگان از طیفی از ارزش‌های مورد قبول جامعه که در بقای سلطه آنها بر جامعه مؤثر است، برای تغییر و خلق فضاها و نشانه‌های شهری استفاده می‌کنند (Valera et al., 1998). هدف از نشانه‌ها به تنظیم درآوردن جهان مادی در داخل یک واقعیت منسجم منطقی است که می‌تواند توسط نخبگان دست‌کاری شده و تحت کنترل قرار گیرد. این امر به راحتی فعالیت‌های سیاسی که سبب ایجاد آن شده‌اند را آشکار می‌سازد؛ بنابراین خوانش سطحی از روی نشانه‌ها، دقت هویت فرهنگی داستان و نظم اجتماعی ساخته شده را نشان می‌دهد (Khojamli, 2016) به نقل از Omelas, (2011).

الگوی گفتمان در ارتباط با اقتصاد: وقتی فضا سود ده می‌شود، مسأله چگونگی استفاده از زمین به موضوع عمده مبارزه سیاسی تبدیل می‌شود که تا حدی مرتبط با برنامه‌ریزی شهری است (Khatwani et al., 2015). در رابطه با تأثیر گفتمان‌های اقتصادی بر مناظر شهری، مفهوم ارتقاء محدوده مورد توجه است که تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست و ایدئولوژی مسلط بر فضا قرار دارد. ارتقاء مکان به استفاده هوشمندانه از تبلیغات و بازاریابی در ارتباط با تصاویر انتخابی از محل‌ها یا

بررسی‌ها در زمینه مفاهیم مؤثر بر هم‌مونیک بودن فضا نکات حائز ارزشی را روشن نمود که با استناد به آن‌ها می‌توان شیوه تحلیل مناسبی را برگزید. رویکردهای متفاوتی برای حل مسأله تحقیق (معنا) وجود دارد، اما از آنجایی که فضا حاصل برآیند نیروهایی است که نتیجه‌ی عملکرد پیچیده‌ای از رمزگان‌های نهفته و آشکار است، این پژوهش بر آنست تا با تکیه بر رویکرد نشانه‌شناسی و تشریح این رهیافت، شیوه کدگذاری و رمزگان‌های موجود در فضا را تبیین نماید.

1-2-2- کاربست نشانه‌شناسی به مثابه رویکرد و

روش

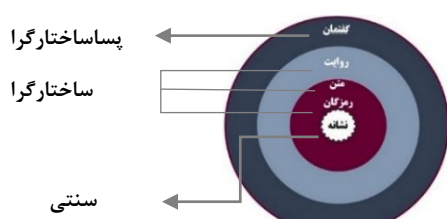
سیر مفهوم نشانه‌شناسی از تأکید بر نشانه تا تأکید بر گفتمان: نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد. اکو نیز بیان می‌کند آنچه براساس قراردادهای اجتماعی بتواند به جای چیز دیگری استفاده شود، نشانه است یکی از نکات بسیارمهم در تحلیل‌های نشانه‌شناختی، توجه به این موضوع است که نشانه منفرد وجود ندارد، بلکه ارزش آن ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است؛ در اینجا است که مفهوم زمینه‌ای که نشانه در آن قرار دارد، اهمیت می‌یابد. بدین ترتیب هیچ معنا و مفهومی بدون توسل به نظام نشانه‌ای و بروز متنی و مادی بیرونی آن‌ها ممکن نیست (Sojoudi, 2008). نشانه‌شناسی در تقابل با علم ارتباطات نقطه اصلی تمرکز خود را این قرار می‌دهد که پیام‌ها چگونه معنا می‌شوند و پیام‌ها چگونه در نشانه‌ها قرار می‌گیرند (Danesi, 2004). از دید بسیاری، نشانه با توجه به زمانه خود و گاهی فراتر از دوران مختص به خود قابل بررسی هستند. هر ویژگی که از نشانه بر می‌آید، در یک دسته‌بندی مختص به زمان خود که شامل دوران کلاسیک، ساختارگرا، پس‌ساختارگرا و بنابه گفته‌ی سجودی (2011)، در یک روند تکمیلی‌تر، یعنی نشانه‌شناسی پدیدایشی است، جای می‌گیرد. بنابراین نشانه‌های مورد بحث در دوره کلاسیک، نشانه‌های طبیعی هستند؛ چنین نشانه‌هایی می‌تواند در مورد جهت زمانی نشانه یعنی گذشته، حال یا آینده بودن، دلالت و یا معلول آن، اطلاعاتی را بیان

مناطق جغرافیایی ویژه برای مخاطبان اشاره دارد (Dovey, 2010). در این راستا با توجه به ماهیت عمدتاً اقتصادی شهرهای امروزی و تأثیرپذیری گسترده آن‌ها از نظام سرمایه‌داری، در اغلب مواقع تحت فشار فزاینده، رقابت اقتصادی تصمیم‌گیرندگان سیاسی، در جستجوی معماری فرهنگی شاخصی برای ترکیب کردن روایتی از بازتولید اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی، در درون یک نماد مشترک شهری است که منبعث از غرور مدنی است (Abdelhalim, 2010).

الگوی گفتمان اجتماعی و فرهنگی: نشانه‌ها عناصری

هستند که مردم و جوامع را یکی کرده یا تقسیم می‌کنند. نشانه‌ها به ما هویت، تصویری از خود و راه‌هایی برای معرفی کردن خود به دیگران نشان می‌دهند این عناصر به نوبه خود، نوع تاریخی که ساخته شده و قرار است دوباره ساخته شود را مشخص می‌کنند (Whelan, 2002). هر گروه انسانی به فراخور تاریخ و فرهنگ خود و بر اساس ارزش‌های فرهنگی-مذهبی که به آن‌ها باور دارد و بدان‌ها افتخار می‌کند و به یاری اندیشه‌هایی که در پی تبلیغ آن است سعی می‌کند نماد و نشانه‌های مختلفی را برای کاربرد در فضا به کار گیرد. این گروه‌ها و جوامع در دوران جدید زندگی شهری در جناح‌ها و احزاب سیاسی سازماندهی شده‌اند و هر کدام از آن‌ها با توجه به ارزش‌های مطلوب خود، سعی در غالب کردن گفتمان اجتماعی و سیاسی خود دارند. در این میان چشم‌اندازهایی برای یک فضا و یا در مقیاس بزرگ‌تر، شهر در نظر می‌گیرند و نشانه‌های تزریق شده، معنا-دهنده به این چشم‌اندازها محسوب می‌شوند (Khojamli, 2016). در تکمیل این بحث می‌توان نتیجه گرفت که در فضای شهری همواره مجموعه‌ای در گفتمان‌ها حاکم هستند که در میان آن‌ها تنها یک گفتمان غالب بوده و خرده‌گفتمان‌های دیگر را شکل می‌دهد. معمولاً گفتمان غالب در یک فضا یا محیط ارتباط مستقیم با ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم داشته و به پشتوانه آن در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر نفوذ کرده و زیرشاخه‌های این بخش‌ها را ساخته و هدایت می‌کند.

انگاشتن عامل انسانی و در نتیجه نادیده گرفتن بسیاری از لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دخیل در فرآیند دلالت در دستگاه‌های نشانه‌ای است (Sojoudi, 2008). به نقل از (Eco, 1979). تطور نشانه‌شناسی از دوران کلاسیک که بر نشانه به‌عنوان مفهوم اصلی تمرکز دارد و تا گفتمان سیر تکمیلی به خود می‌گیرد، در شکل یک، مشاهده می‌شود که با توجه به مسأله پژوهش و پویایی نشانه، تکیه بر نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا که به‌وسیله قاب گفتمانی بسته می‌شود، انتخاب شده است.



شکل 1- روابط عناصر در سیر تکمیلی نظام نشانه‌ای (Sojoudi, 2011)

Fig. 1- The relations of the elements in the evolution of the sign system (Sojoudi, 2011)

جایگاه نشانه‌شناسی شهری در مقایسه با سایر رویکردها: در خصوص ارتباط بین شهر و نشانه نیز می‌توان اظهار داشت که شهر در معنای تاریخی خود، نقطه‌ای است که در آن تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع به‌صورت حداکثری متبلور می‌شود. در واقع شهر، شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و جایگاه مراکز و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است که به‌وسیله کدهای درونی و آشکار در محیط عینی نمود پیدا می‌کنند و وجوه ادراکی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین در شهر و فضای شهری، تجارب انسانی به علائم و نشانه‌های ماندگار، نمادها، الگوهای رفتاری و دستگاه‌های نظم‌دهنده نیز ترجمه می‌شود. بررسی رفتارهای کاربران در هر فضا ناشی از نیروهای موجود، نیازمند بهره‌مندی از رویکرد رفتارگرایی است و در صورت وارد شدن به آگاهی انسان، پدیدارشناسی، رویکردی راهگشا است. همچنین رویکرد روانشناسی محیط نیز از نگرش ادراک هر فرد

کنند. نشانه‌شناسی سوسوری، نشانه‌های (طبیعی) یونان باستان، نشانه‌های نمادین صرف پیرسی و نشانه‌هایی که در حوزه‌های غیر انسانی برای ایجاد ارتباط به کار می‌روند، کنار گذاشته می‌شوند و در اینجا نشانه واقعیتی اجتماعی یافته و نشانه‌شناسی به مشخصه‌های مربوط به ابزار مورد استفاده در ارتباط انسانی می‌پردازد و موضوع مورد مطالعه نشانه‌شناسی قرار می‌گیرد. مفهوم نشانه از منظر ساختارگرایان با نظریات اکو آغاز می‌شود و از وجود پدیده‌ای پویاتر، و همچنین ناپیستا و گذرا به نام «نقش نشانه» سخن به میان می‌آید (Sojoudi, 2011). به نظر آن‌ها نظام‌های نشانه‌شناختی به خودی خود تولید نمی‌شوند و ریشه در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه دارند؛ لایه جدیدی به نشانه‌شناسی شهری که اشاره به ذات نهفته در زیر فرم‌ها دارد، شکل می‌گیرد. از منظر پسا ساختارگرایان، نتیجه‌ی ساختارگرایی، ناقص و ناکارآمد تلقی می‌گردد (Madanipour, 2010) چراکه پویایی و انعطافی در آن دیده نمی‌شود و بسیار جزئی-نگر است. از بزرگترین نظریه‌پردازان این دوره می‌توان به دریدا اشاره کرد که با بسط مفهوم پیشین در قالب گفتمان به تکمیل این روند کمک کرد، به‌دنبال این امر، پس از آن رویکردی جدید به نام نشانه‌شناسی لایه‌ای با روش‌شناسی پدیدایشی در عرصه این نظام وارد شده‌اند که طبق اظهارات بیان شده در این دیدگاه ابتدا تحلیل-گر با متن روبرو می‌شود نه با نشانه و رمزگان، و سپس برای تحلیل آن ممکن است به ابزاری به نام نشانه و چگونگی همنشینی آن با نشانه‌های دیگر در نظام‌های نشانه‌ای متوسل شود (Daneshpour et al., 2012). بنابراین مفهوم نشانه‌شناسی از دید این رویکرد به دنبال مفهوم متن است و متن حاصل همنشینی بین رمزگان نیست (اکو در تعریف متن، آن را حاصل همنشینی رمزگان‌های بسیار می‌داند) بلکه حاصل همنشینی بین لایه‌هایی است که هر یک بر اساس انتخاب از آن رمزگان‌ها در کنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند. یکی از بارزترین انتقادات وارد شده بر آن نادیده انگاشته شدن عوامل متفاوت اجتماعی و بافتی در هر ارتباط اعم از نوشتاری، گفتاری و تصویری، یا به عبارتی نادیده

گونه دگرگونی در روندهای سیاسی مرتبط با فضا، بر ادارک و حضور استفاده‌کنندگان تأثیر دارد. دلیل این امر می‌تواند توزیع نابرابر منابع اجتماعی در ابعاد مختلف عینیت فضا باشد که از لایه گفتمان قدرت سرچشمه می‌گیرد و در نهایت سلطه بر فضا را ایجاد می‌کند. نشانه‌شناسی به‌عنوان علم شناخت این عینیت-ها و بر محوریت گفتمان و وابسته به عوامل قدرت است و این امر جز در دلالت‌های معنایی درک شده در لایه ذهنی آشکار نمی‌شود. بنابراین نحوه ادراک مردم با توجه به نوع طراحی محیط، (رمزگان‌های عینی) که در دلالت‌های معنایی آنها از محیط آشکار می‌شود نشان می‌دهد نوع کدگذاری در محیط چگونه است: هژمونیک یا غیر هژمونیک. عواملی که در لایه پنهان گفتمان قدرت وجود دارند مشتمل بر عوامل ایدئولوژیکی، تاریخی و فرهنگی، عاملان قدرت و محرک‌های سیاسی در طی زمان، عوامل اقتصادی و میزان مدیریت امور مالی فضا و میزان نقش طراحان در تهیه‌ی طرح‌ها و نحوه اجرای آنها هستند. این پژوهش بر آنست تا با بررسی نشانه‌شناسانه‌ی طرح‌ها و اسناد مرتبط با یک فضای شهری، تأثیر گفتمان قدرت را بر لایه‌های عینی فضا مشتمل بر ابعاد حرکت و دسترسی، بصری، زیست-بوم، عملکردی و ریخت‌شناسی بررسی نماید. دلالت-های معنایی فضا برای کاربران منتج از این عینیت‌ها است (شکل 2).

بر اساس ویژگی‌های مختص، منتج می‌گردد. شرح مختصری از هر یک از رویکردها در بررسی معنای محیط، در جدول یک ارائه شده است.

بدین منظور در راستای تبیین مفاهیم و تشریح ضرورت‌های نظری، رویکرد نشانه‌شناسی درصدد است تا محیط شهری را بر اساس نظام نشانه‌ها تبیین کند و بیان نماید که چگونه محیط کالبدی بر اساس عمل کردن به صورت نظام‌های نشانه‌ای معنایی یابد. به بیان دیگر نشانه‌شناسی به‌عنوان ابزاری ارزشمند، با شناسایی رمزگان یک محیط، واقعیت در شهرها را بازنمایی می‌کند.

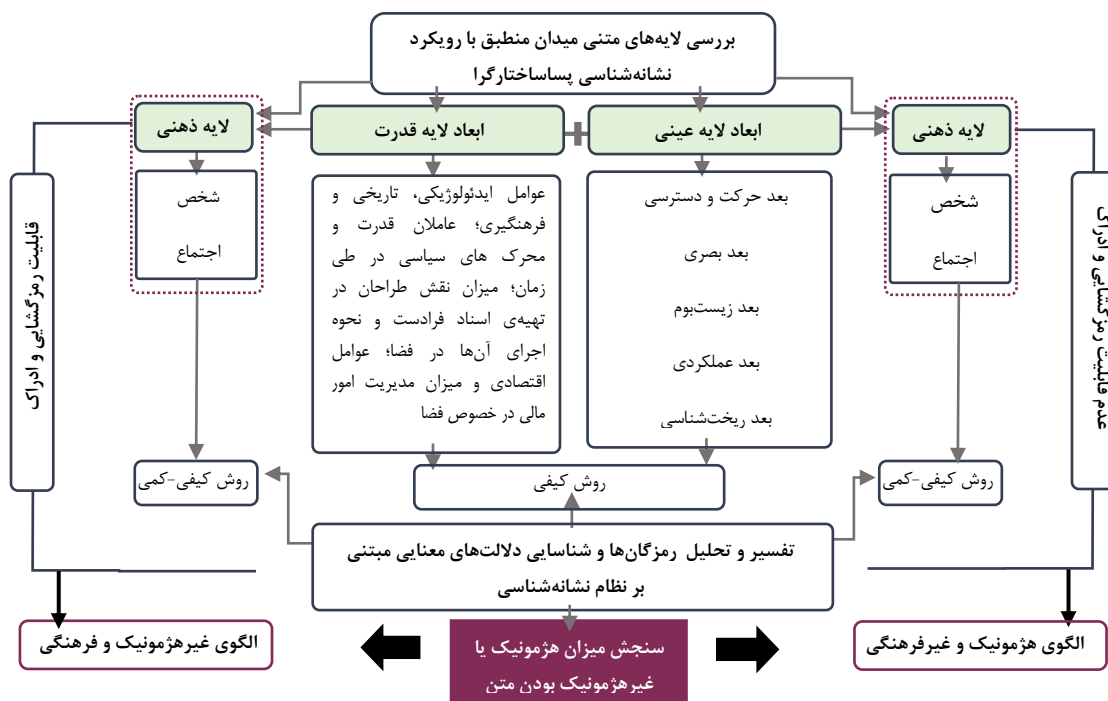
1-2-3- تدوین چارچوب مفهومی پژوهش

همان‌گونه که در پیش از این بیان شد، هدف اصلی تحقیق، بررسی لایه‌های متنی فضای شهری به منظور ارزیابی میزان هژمونیک بودن یک فضا است. بنابراین پرسش اصلی که در اینجا باید به کمک مباحث نظری عنوان شده بدان پاسخ داد، این است که چه عواملی در حیطه نظام نشانه‌شناسی لازم است بررسی شود که تحت تأثیر نیروهای پنهان در کالبد فضا (تحت عنوان طرح‌های اجرایی (قدرت) قابل مشاهده است. طبق ادبیات نظری، همه‌ی رویدادها، فرآیندها و رفتارهای شکل‌گرفته در حوزه اجتماعی، با قابلیت سیاسی بودن فرض می‌شوند، چراکه در این جهان قدرت سیاسی، کل قلمرو امور اجتماعی را دربرگرفته است. در این میان هر

جدول 1 - مقایسه رویکردهای مرتبط با معنا در محیط

Tab. 1- Comparison of environmental meaning approaches

نوع بازتاب	ارتباط با فرهنگ	رابطه با مکان و شهر	ابزار ارتباط	برخی نظریه پردازان	رویکرد
ذهنی	مبتنی بر فرهنگ خاص با پذیرش جمعی	از طریق کد، نشانه و رمز	از طریق زبان	لارنس، یونگ	نمادگرایی (Mohsenianrad, 2006)
ذهنی	مبتنی بر فرهنگ خاص	توزیع عناصر زبانی در اجتماع، گفتمان	بافت زبانی و غیر زبانی در متن	دوسوسور، چامسکی	زبان‌شناسی (Chomsky, 2000)
ذهنی-عینی	حاصل تمرکز قدرت و در نظر گرفتن سطوح فرهنگ	کد، نشانه، رمزگان، روایت، گفتمان	متن	دوسوسور، پیرس، اکو، دریدا	نشانه‌شناسی (Sojoudi, 2011)
ذهنی-عینی	حاصل تمرکز قدرت و در نظر گرفتن سطوح فرهنگ	کنش و واکنش	بافت غیرزبانی در متن	واتسون، آلتمن	رفتارگرایی (Rezazadeh and et al., 2005)
ذهنی	توجه به ارزش‌های فردی	تجربه بیواسطه	متن	هوسرل، هایدگر	پدیدارشناسی (Hosserl, 2002)
ذهنی	توجه به ارزش‌ها در ورای کاربردهای روزانه	کنش‌های آگاهی و حس تعلق	بافت زبانی و غیر زبانی در متن	پاولوف، اسکینر، جان لاک، دیویدهوم	روانشناسی محیطی (Manzo, 2003)



شکل 2- مدل مفهومی پژوهش
Fig. 2- Research conceptual model

2- روش تحقیق

روش پژوهش، با دو رویکرد کیفی و کمی پیش‌رفته و از یک‌سو مشتمل بر شیوه‌ی تعمیق، ژرف‌نگری و کارشناس محور است که با پارادایم تفسیری و تکیه بر رویکرد نشانه‌شناسی به تفسیر رمزگان موجود در لایه-های فضای شهری می‌پردازد و از سوی دیگر به منظور شناسایی دلالت‌های معنایی از رویکرد مردم‌محور بهره می‌گیرد. در لایه گفتمان قدرت، اطلاعات موجود در اسناد فرادست که طی زمان و تحت قدرت‌های مختلف در قالب انواع طرح‌ها در میدان بهارستان تهیه و اجرا شده‌اند، بررسی شده که تفسیر آن‌ها به‌مثابه متن نوشتاری در نظام نشانه‌شناسی امکان‌پذیر است. در لایه عینی نیز به بررسی محیط در پنج بعد ذکر شده (در چارچوب مفهومی) پرداخته شده است. تحلیل این بخش با هدف شناسایی رمزگان‌های فضای عینی مبتنی بر برداشت میدانی در فضا و همچنین مشاهدات مشارکتی مستقیم یا غیر مستقیم است. در لایه ذهنی به منظور شناسایی دلالت‌های معنایی، از پرسش‌نامه نیمه‌باز با هدف درگیری ذهنی افراد با معضلات فضا بهره برده شده است. انتخاب نمونه‌ها، به صورت

تصادفی از میان سه گروه شامل: گروه‌های غیر رسمی، مردم عادی و افرادی که به واسطه شغل خود وارد محیط می‌شوند صورت گرفته است. جامعه آماری با مد نظر قرار دادن داده‌های سرانگشتی آمار که امکان انجام تحلیل همبستگی را ممکن می‌کند، 30 نمونه حداقل در هر گروه بوده است. در عین حال با توجه به نیمه باز بودن پرسش‌نامه، اشباع نظری نیز مدنظر قرار گرفته و بنابراین 92 پرسش‌نامه در فضا تکمیل شد. لازم به ذکر است که به منظور حصول اطمینان از پایان تکمیل پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها در نرم‌افزار آماری وارد شده و میزان پایایی آن بررسی شده است. برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شده که براساس مقدار عددی به دست آمده (0.706) که بالاتر از 0.7 است، پرسش‌نامه از پایایی قابل قبول برخوردار است؛ داده‌های لایه ذهنی با نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند.

2-1- معرفی اجمالی نمونه‌ی موردی

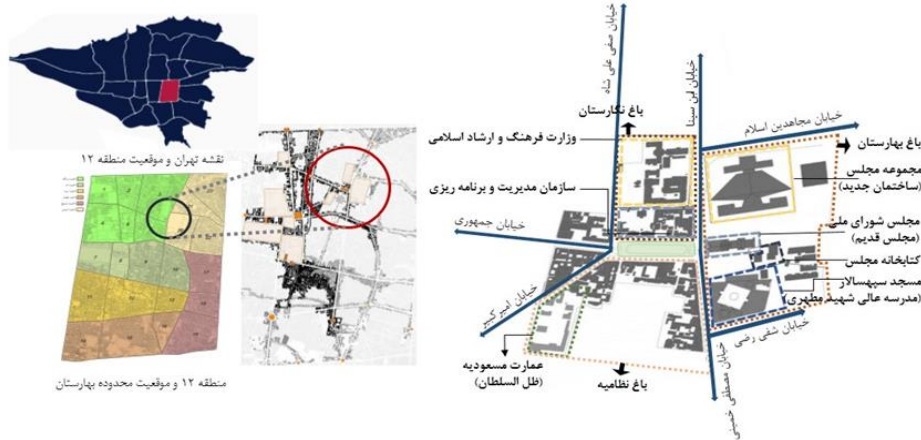
براساس جهت‌گیری پژوهش، انتخاب میدان بهارستان از این‌رو است که این میدان فضایی است که در برهه‌ای از تاریخ نقش حکومتی-سیاسی داشته و به‌عنوان

2-2- بررسی الگوی کدگذاری در میدان بهارستان مبتنی بر تفسیر رمزگان‌ها و شناسایی دلالت‌های معنایی

2-2-1- شناسایی رمزگان‌های لایه قدرت از خلال بررسی اسناد فرادست

«طرح جامع» در ارتباط با میدان بهارستان: در این طرح (Naghsh-e Jahan Pars Consulting Engineers,) (1999) در محدوده میدان بهارستان، ایجاد یک سایت حکومتی در اطراف مجموعه ساختمان‌های مجلس، به-عنوان یک عنصر شاخص بیرونی در ارتباط با مردم بود. ایجاد یک فضای مرکزی در اطراف میدان، به‌عنوان ایده اصلی در نظر گرفته شد که علاوه بر احیای باغ‌های قدیمی محدوده و تقویت محور شمالی-جنوبی، خیابان مصطفی خمینی به‌عنوان یک محور پیاده در نظر گرفته شد. آن چه در طرح جامع، طرح محدوده میدان را تحت تأثیر قرار داد و در ابعاد لایه عینی و ذهنی نمود پیدا کرده، عبارتند از: ایجاد یک فضای مرکزی در اطراف میدان بهارستان (این فضای مرکزی در طرح جامع به عنوان پلتفرمی در نظر گرفته شده که عناصر تاریخی میدان همچون بناهای تاریخی و درختان تاریخی روی آن قرار داشتند). ابعاد هر فضا یا بنای جدید بر روی این پلتفرم با ظرافت لازم مدنظر قرار گرفته تا یکپارچگی فضا را مختل نسازد. جهت این فضا در امتداد بناهای تاریخی و در جهت باغ‌سازی باغ بهارستان و دیوار شمالی مسجد سپهسالار است؛

پیش‌گاه مجلس ایران، به کارکرد سیاسی خود ادامه می‌دهد. میدان بهارستان در ابتدا نقش جلوخان باغ نگارستان را داشته است (Bastanirad, 2011). در روند توسعه تهران در دوره ناصرالدین‌شاه با احداث باغ بهارستان، مسجد سپهسالار و باغ نظامیه به‌صورت یک فضای شهری تعریف شده با اهمیتی خاص جلوه نمود و نام خود را از باغ بهارستان عاریه گرفت؛ پس از آن نام میدان به مجلس و همچنین میدان شاه‌آباد (دوره سلطنت رضا شاه) نیز نامیده می‌شد (Vahabzadeh, 2005). نشانه‌های بارز معماری و شهری موجود در میدان نظیر ساختمان مشروطه، مجموعه مجلس جدید، مجموعه ظل‌السلطان (باغ مسعودیه)، مدرسه ناصری (مسجد سپهسالار)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و عناصر پنهان و آشکار بی‌شماری دیگر، پتانسیل‌های فراوانی را برای معناپذیری این کانون یا ثقلیت معنایی آن به عنوان فضای شهری پدید می‌آورد (Sharifian, 2011). این فضا از ابتدا تا عصر حاضر فراز و نشیب‌های جریانات اجتماعی زیادی به خود دیده و در طی تغییرات حکومتی، جداره میدان و حوزه‌ی بلافصل آن، تغییرات کارکردی نموده و کاربری‌هایی متناسب با شرایط زمانی در آن ایجاد و تغییر کرده‌اند. از نظر جغرافیایی، موقعیت قرارگیری میدان، در منطقه 12 شهرداری تهران بوده و به عنوان هسته تاریخی شهر تهران در دوره ناصرالدین‌شاه اهمیت داشته است (Maleki and Khorsandi, 2005).



شکل 3- موقعیت جغرافیایی میدان بهارستان و کاربری‌های محدوده
Fig. 3- Geographical location of Baharestan Square and its landuse

عناصر تشکیل‌دهنده این فضا عبارتند از: کف‌سازی محوطه مرکزی، بدنه‌سازی فضایی میدان با عناصر سبز و بدنه محصور میدان با امتداد خطوط بناها. احیاء باغ-های تاریخی محدوده؛ ایجاد آرامش در محیط شهری اطراف مجموعه از طریق انتقال بار ترافیکی به خیابان-های موجود یا جدیدالاحداث حاشیه پروژه، احیای پارک‌ها و تبدیل مسیرهای سواره و موجود داخل مجموعه حتی‌الامکان به مسیرهای پیاده و تبدیل مجموعه به فضایی فعال، قابل دسترس و کارآمد برای همگان از دیگر تأکیدات مورد توجه در این طرح است. در طرح، عملکردهای اصلی در چند گروه تقسیم می-شوند، فضاهای اصلی، فضاهای وابسته اصلی، فضاهای رفاهی و پشتیبان. در مرحله اول باید فضاهای اصلی مجلس در نظر گرفته شود و در مراحل بعدی فضاهای پشتیبانی رفاهی و وابسته اصلی که شامل مجموعه‌ی ریاست و تشریفات، مجموعه شورا و کمیسیون‌ها و مجموعه‌ی سازمان اداری است، لحاظ شود. مرور گزارش نهایی طرح جامع (Tehran comprehensive plan, 2007) نشان می‌دهد که در این طرح، انعکاس چشم‌اندازهای توسعه در ارتباط با میدان بهارستان عبارتند از: تقویت حضور بناهای اصلی حکومتی به عنوان مرکزیت سیاسی با عملکردهای ملی و جهانی، قابلیت تبدیل فضای عمومی میدان‌ها و خیابان‌های تاریخی به حیاط مشترک شهروندان تهرانی و تعدیل نابرابری‌ها و تأمین همگانی حقوق شهروندی. همچنین راهبردهایی که به پهنه تاریخی مد نظر مربوط می‌شود، نیز عبارتند از: حفظ باغات و توسعه فضاهای سبز، تقویت عنصر مسجد به عنوان بارزترین نشانه، ساماندهی پهنه‌های تاریخی و ارتقاء هویت منظر شهری، احیاء معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی در هر گونه تحولات و مداخلات کالبدی، گسترش و توسعه حرکت پیاده، عدم صدور مجوز برای ساختمان‌های بلندمرتبه با هر کاربری و ممنوعیت هر گونه مداخله و ساخت‌وساز در عرصه آثار تاریخی و مجاورت آن‌ها (مگر با مجوز سازمان میراث فرهنگی). در ادامه در جدول زیر با توجه به تأکیدات مورد توجه در طرح که منجر به حضور یا عدم حضور استفاده‌کنندگان در فضا می‌شود،

میزان هم‌مونیک بودن فضا بررسی شده است. همان-طور که در نمودار مشخص است، رمزگان موجود در طرح‌های مذکور سبب ایجاد الگویی از کدگذاری شده که در سه طیف هم‌مونیک، نسبتاً هم‌مونیک و غیرهم‌مونیک نمود پیدا کرده‌اند (جدول 2). بر این اساس، رمزگانی که بر هدف حضورپذیری، حیات شهروندی و تقویت عناصر و عوامل معناپذیر دلالت می-کنند، در طیف غیر هم‌مونیک قرار می‌گیرند. رمزگانی که با هدف تقویت عناصر سیاسی به منظور گسترش پهنه حکومتی و سلطه محیط بر افراد شکل گرفته‌اند، در طیف هم‌مونیک قرار می‌گیرند.

«سند الگوی طرح توسعه منطقه 12 شهر تهران» در ارتباط با میدان بهارستان: با بررسی‌های صورت گرفته از سند مذکور (Bavand Consulting Engineers, 2004) (افق 1400) موارد بسیار اندکی در جهت بهبود فضایی میدان بهارستان مد نظر قرار گرفته است. در این میان انتقاد از طرح جامع پیشنهادی مشاور نقش جهان-پارس در ارتباط با محدوده میدان بهارستان در اولویت بوده و تکیه بر مواردی چون پیوند میدان با محدوده مجلس (پیاده‌راه‌سازی، ایجاد رینگ ترافیکی و...)، تمرکز بر نقش میدان بهارستان به عنوان کانون مدنی-اجتماعی، توجه به ساماندهی بافت مسکونی همجوار (محل نظامیه)، ترکیب فعالیتی مناطق به نفع فعالیت‌های گردشگری، پذیرایی و تفریحی در وهله اول و فعالیت‌های اداری از نوع خصوصی، حکومتی، دولتی و سفارت‌خانه‌ها در درجه‌ی بعدی، ایجاد مجموعه‌هایی با کاربری مختلط در نقاط کانونی و اطراف مترو به منظور فعال‌سازی در شب و روز را مد نظر قرار داده است.

«طرح مصوب کمیسیون ماده‌ی 5» در ارتباط با میدان بهارستان: یکی از طرح‌های مصوب در کمیسیون ماده‌ی 5 برگرفته از سند طرح توسعه منطقه 12 است که تمرکز اصلی آن تصدیق طرح پیشنهادی مبنی بر توجه به شبکه معابر در محدوده میدان بهارستان است. علاوه بر این، طرح دیگری تحت عنوان «طرح توسعه فیزیکی مجلس» در سال 1389-1390 پیشنهاد شده که به تصویب این کمیسیون رسیده است.

جدول 2- الگوی کدگذاری هژمونیک مبتنی بر تفاسیر اسناد فرادست در طرح جامع و طرح ساختاری-راهبردی
 Tab. 2- Hegemonic coding pattern based on interpretations of documents in the Comprehensive Plan and Structural Strategic Plan

سال طرح	رمزگان	طیف الگوی رمزگذاری		
		هژمونیک	نسبتاً هژمونیک	غیرهژمونیک
جامع 1370	ایجاد سایت حکومتی اطراف ساختمان مجلس			
	ایجاد سایت با هدف ایجاد عنصر شاخص بیرونی (مجموعه ساختمان مجلس)			
	ایجاد فضای مرکزی (با هدف حفظ یکپارچگی عناصر تاریخی)			
	پیوستگی فضایی (از طریق ایجاد یک پلنتفرم)			
	احیای باغ های تاریخی و حفظ عناصر طبیعی و مصنوع			
	طراحی ورودی بناهای مهم (بناهای سیاسی و تاریخی)			
	امتداد خطوط بناها به تبعیت از ساختمان مجلس قدیم و مسجد سپهسالار			
	انتقال بارترافیکی به خیابان های موجود یا جدیدالاحداث (انتقال سواره)			
	اتصال مجموعه به سایر فضاها (گسترش محدوده سیاسی-اتصال فضایی)			
	اولویت بندی عملکردی با فضاها اصلی (مجلس) (اولویت بناهای حکومتی)			
ساختاری راهبردی 1386	میدان به عنوان جزئی از پهنه تاریخی- تجاری			
	تقویت عناصر حکومتی به عنوان مرکزیت سیاسی			
	حداقل 10مترمربع سرانه فضای سبز			
	تقویت عنصر مسجد			
	استفاده از الگوی ایرانی-اسلامی در هرگونه مداخلات کالبدی			
	عدم صدور مجوز برای ساختمان های بلندمرتبه			
	ممنوعیت هر گونه مداخله در عرصه آثار تاریخی			

ساختمان شورای نگهبان از دیگر پیشنهادها طرح است. رمزگان حاصل از طرح های مذکور نیز، به مانند طرح های پیشین، در سه طیف هژمونیک، نسبتاً هژمونیک و غیرهژمونیک دسته بندی شده اند و الگوی کدگذاری فضا را نشان می دهند. بر این اساس، الگوی حاصل در طرح تفصیلی و طرح های مصوب کمیسیون ماده 5، جزء در مواردی که با هدف ایجاد کانون های مدنی و تقویت بعد بصری هستند، روندی هژمونیک داشته است (جدول 3).

طرح ویژه نوسازی بافت فرسوده در ارتباط با میدان بهارستان: طرح ویژه نوسازی (The first specialized workshop to study the special plan for renovation of old tissues, 2005 and Naghsh-e Jahan Pars Consulting Engineers, 1999) بسته نرم افزاری

در این طرح، 220000 مترمربع زیربنای ناخالص به سایت جدید اختصاص یافت. مهمترین رویکردهای طراحی در محدوده میدان مد نظر عبارتند از: انتقال بار ترافیکی اصلی از طریق زیر گذر، ارتفاع پیشنهادی ساختمان هایی که در آکس خیابان جمهوری قرار دارند، با توجه به ساختمان مدرسه مطهری تعیین شده و حداکثر 20 متر است. تنها استثناء، ساختمان بلند واقع در محور شرقی-غربی است که ارتفاع آن به بیش از 50 متر می رسد و به یک نشانه شاخص در سایت پروژه تبدیل می شود. انتقال پارکینگ به زیرزمین، طراحی موضعی برای محدوده واقع در شمال میدان بهارستان تا ضلع شمال باغ نگارستان و در نظر گرفتن محلی جهت احداث ساختمان شورای عالی استان ها در مجاورت



مداخله در بافت فرسوده است که در چارچوب سیاست‌های طرح جامع تهیه می‌شود. در واقع طرح نوسازی تلفیق هوشمند و هدفدار از طرح‌های تفصیلی، منظر شهری و مدیریت اجرا است و محدوده‌هایی را شامل می‌شود که به واسطه کیفیت خاص فضایی، شرایط اجتماعی، ایمنی و بهره‌مندی از خدمات عمومی موضوع فعالیت ارگان‌های مربوطه چون شهرداری و سازمان نوسازی قرار می‌گیرد (Rabei, 2006).

در این راستا، در سال 1394-1395 سازمان زیباسازی شهر تهران، نقش مرجعیت و هدایت منظر شهری در بسیاری از نقاط، از جمله محدوده میدان بهارستان، عهده‌دار شد و با سیاست‌هایی چون حفظ هویت تاریخی فرهنگی و استقرار نظم بصری با هدف بازگشت به اصالت نخستین بناها، تصمیم به اجرای آن‌ها گرفت. برخی از موارد مورد تأکید در این طرح عبارتند از: رفع آلودگی‌های بصری از جمله نمای فرسوده و کثیف بناها، الحاقات و زواید تأسیساتی، اغتشاشات بصری ناشی از نازیبایی و نامتجانس بودن تابلوهای اصناف و درهم‌ریختگی نمای معماری نخستین بناها با مداخله و تغییر بازشوها، بازطراحی دسترسی مردم به میدان به‌عنوان مقصد، تعیین بخشی به هویت تاریخی بهارستان و اولویت‌بخشی به پیاده و رعایت جنبه سلامت روان (Maleki and et al., 2015-2016). طبق مطالعات صورت‌گرفته، سیاست‌های مذکور تنها به ساماندهی بصری محدود بناها اکتفا شده است. رمزگان‌های شناسایی شده در این طرح نشان می‌دهد که الگوی کدگذاری به غیر هژمونیک بودن بیشتر متمایل است. مقصدی نمودن میدان به همراه نقش تأکیدی بر بعد

بصری (حذف زوائد بصری)، نقش مهمی در تشویق حضور افراد دارد. عدم اجرای پیشنهادهایی چون مقصدی کردن میدان، تحت عنوان «طرح ساماندهی میدان بهارستان» که توسط مهندسی مشاور طرح اندیشان شهر به سازمان زیباسازی شهر تهران ارائه شد (Tarh Andishan-e Shahr Consulting Engineers, 2012-2013)، نقش مؤثری در هژمونیک کردن آن ایفا می‌کند. طبق شکل زیر و رمزگان‌های شناسایی شده، الگوی کدگذاری هژمونیک بوده و بر این موضوع دلالت دارند که نفع عمومی در کنار منافع سیاسی عاملان تصمیم‌گیرنده وجود داشته است (جدول 4).

2-2-2- بررسی دلالت‌های معنایی در لایه عینی فضا

ویژگی‌های عینی محیط نقش بارزی در هژمونیک و یا غیر هژمونیک شدن فضا ایفا می‌کنند؛ چراکه با تغییرات مختلف زمانی، بسته به شرایط نظام قدرت و سیاسی حاکم، کالبد متفاوتی از فضا ارائه می‌گردد و سبب جهت‌دهی فعالیت و رفتارهای استفاده‌کنندگان فضا می‌شوند. در این لایه، به بررسی وضع موجود میدان بهارستان و آن دسته از عوامل کالبدی و عینیت فضایی که نوع رفتار کاربران را تحت تأثیر قرار داده، پرداخته می‌شود. بنابراین مشاهدات میدانی و پیش زمینه ذهنی محقق در خصوص نقش عاملان قدرت (طبق بررسی‌های صورت گرفته در تفسیر اسناد فرادست)، در پنج بعد حرکت و دسترسی، بصری، عملکردی، زیست‌بوم و ریخت‌شناسی بررسی و نتایج حاصل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول 3- الگوی کدگذاری هژمونیک مبتنی بر تفاسیر اسناد فرادست در سند الگوی توسعه، طرح مصوب کمیسیون ماده 5 سال 1385 و 1390

Tab. 3- Hegemonic coding pattern based on interpretations of documents in interpretations of Development Pattern plan, Commission of Article 5, year 2006 and year 2011

سال طرح	رمزگان	طیف الگوی رمزگذاری	
		هژمونیک	نسبتاً هژمونیک / غیر هژمونیک
الگوی سند توسعه	عدم ارائه طرحی ویژه مختص میدان (جهت بهبود وضع موجود به نفع پیاده)		
	طرح پیشنهادی محورها و توسعه و کاربری‌های وضع موجود محدوده بهارستان (توسعه محورهای سواره و عدم توزیع صحیح کاربری‌ها)		

تعریف حریم و مشخص نمودن گستره‌های دارای ارزش تاریخی (با هدف تدبیر امور مدیریتی)	1383
معرفی خدمات وضع موجود (با هدف معرفی بناهای حکومتی به‌عنوان کاربری خدماتی)	
انتقاد طرح جامع سال 1378 مبنی بر پیاده راه سازی جلوی مجلس	
میدان بهارستان به عنوان کانون مدنی - اجتماعی	
ساماندهی محله نظامیه	
اختلال فعالیت در نقاط کانونی و مترو (با هدف تجمع بیشتر مقابل فضاهای قابل کنترل)	
طرح ویژه میدان بهارستان (حفظ بناهای بارزش تاریخی، ساماندهی و مرمت بناهای با ارزش میدان و...)	
شبکه حرکت (1385) (گسترش شبکه معابر به نفع سواره و پیاده)	ک. م. 5 1385
رفع معضلات سایت مجلس (اولویت با محدوده های سیاسی-حکومتی)	ک. م. 5 1390
اصول کالبدی بر اساس ارتفاع مدرسه مطهری (به جز یک ساختمان دولتی)	
انتقال پارکینگ و فضای تاسیساتی به زیرزمین	
حذف ساختمان مرکزی کتابخانه (توسعه زمین به نفع ساخت بناهای حکومتی جدید)	

جدول 4- الگوی کدگذاری هژمونیک مبتنی بر تفاسیر اسناد فرادست در طرح ویژه نوسازی (1384)، طرح مهندسان مشاور و طرح ویژه نوسازی (1395-1396)

Tab. 4- Hegemonic coding pattern based on interpretations of documents in the Special Renovation Plan (2005), Consulting Engineers' Plan, and Special Renovation Plan (2015-2016)

سال طرح	رمزگان	طیف الگوی رمزگذاری		
		هژمونیک	نسبتاً هژمونیک	غیرهژمونیک
ویژه نوسازی 1384	ارائه سیاست‌های مؤثر در بهبود فضاهای دارای فرسودگی (با هدف مشارکت مردم در تأمین بودجه)			
مهندسين مشاور	ارائه سیاست‌هایی به منظور مقصدی کردن میدان عدم اجرای طرح پیشنهادی ساماندهی میدان بهارستان			
ویژه نوسازی 1394	رفع آلودگی های بصری			
1395	نورپردازی لایه بیرونی مدرسه عالی مطهری (عدم استفاده از فضای درونی)			
	مرمت ساختمان یاس (قرارگیری در نیش میدان)			
	مرمت ساختمان کلاتری (مرمت بنای وابسته به ارگان حکومتی)			
	مرمت خوابگاه خوارزمی (به عنوان نشانه سیاسی و سلطه بر میدان)			
	مرمت ساختمان شماره 60 (اختصاص به کاربری وابسته به ارگان حکومتی و عدم هماهنگی با بناهای مجاور)			
	مرمت ساختمان چنارستان (حفظ عناصر هویتی محدود به دیوار نویسی و نقاشی)			

جدول 5- الگوی کدگذاری هژمونیک مبتنی بر دلالت‌های معنایی لایه عینی میدان بهارستان
Tab.5- Hegemonic coding pattern based on Semantic Implication of physical layer of Baharestan Square

ابعاد لایه عینی	رمزگان	طیف الگوی رمزگذاری		
		هژمونیک	نسبتاً هژمونیک	غیرهژمونیک
حرکت و دسترسی	تبدیل میدان به گره ارتباطی (ایزوله شدن جزیره میدان با سواره)			
	یک طرفه بودن مسیرهای ورودی سواره با هدف عبوری کردن مسیر			
	عدم تنوع مسیر حرکتی پیاده و کیفیت پایین کفسازی مختص عابرین			
	تسلسل حرکتی پیاده			
بصری	انتقال حرکت پیاده به برخی محورها (بیشتر محدوده‌های غربی)			
	کمبود بازشودر قسمت شمالی نسبت به جنوب میدان (به سبب مجاورت با سایت حکومتی و کاربری‌های وابسته)			
	وجود آلودگی بصری جز در ساختمانهای حکومتی			
	عدم همخوانی معماری ساختمان مجلس جدید جدید با ساختمان مجلس قدیم و بناهای تاریخی			
زیست بوم	کاهش دسترسی بصری با ایجاد موانع بصری مقابل ساختمان‌های حکومتی و برخی بناهای تاریخی			
	تغییر در محصوریت و کاهش آن در قسمت شرقی			
	گسترش و تأکید بر نشانه‌های سیاسی و حذف برخی المان‌های تاریخی			
	عدم تنوع پوشش گیاهی و ملزومات اقلیمی			
عملکردی	عدم قرار گیری صحیح درختان (عدم مدیریت صحیح فضای سبز)			
	گسترش کاربری‌های مرتبط با اداری در قسمت شمالی و شمال شرقی			
	عدم مبلمان و تجهیزات شهری کافی			
	کاهش شدید فعالیت‌ها در ساعات شب (جداره های خاموش در شرق میدان)			
ریخت شناسی	تنوع کاربری نسبتاً مطلوب در ضلع جنوبی			
	عدم یکپارچگی فضای وسیع میدان			
	ترکیب حجمی نامتناسب (درشت دانگی فضاهای حکومتی)			
	قرارگیری برخی بناهای تاریخی در لایه دوم میدان			
	تغییر محصوریت در بدنه‌های مختلف میدان			

است. نتایج این بررسی در جدول پیش‌رو، ارائه شده و اولویت‌بندی شاخص‌های هر بعد که بر هژمونیک شدن میدان بهارستان مؤثر بوده‌اند، شناسایی شده‌اند. در بررسی روابط همبستگی و آزمون گاما⁴ استفاده شد که نشان می‌دهد آیا میان ادراک هژمونیک بودن فضا (به- عنوان متغیر وابسته) و رمزگان‌های ابعاد عینی فضا رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟ آنچه به عنوان مصداق هژمونیک بودن در این بررسی مورد

2-2-3- بررسی دلالت‌های معنایی در لایه‌ی ذهنی فضا همان‌گونه که پیش از این بیان شد، برای بررسی دلالت‌های معنایی از دیدگاه کاربران فضا بهره برده شده است. در این بخش در ابتدا انواع دلالت‌های معنایی در بعدهای پنج‌گانه فضای عینی بررسی شده است. از آنجا که هدف آن است تا مشخص شود که چه عواملی بیش از سایر عوامل بر ادراک هژمونیک بودن فضا تأثیر دارند، در اینجا از تحلیل اکتشافی (همبستگی) بهره برده شده



در قالب تحلیل همبستگی ارائه شده است. میزان معنی‌داری نشان‌دهنده وجود رابطه و مقدار آزمون، نشان‌دهنده‌ی میزان و اولویت تأثیرگذاری است.

پرسش قرار گرفته، کاهش حضور و فعالیت بوده است. در جدول پیش رو ضمن مشخص شدن دلالت‌های معنایی، میزان تأثیرگذاری آنها بر هژمونیک بودن فضا

جدول 6- دلالت‌های معنایی از دید کاربران و اولویت تأثیرگذاری بر هژمونیک شدن میدان بهارستان

Tab.6 – Semantic implication form users` view point and priority of influence on hegemony of Baharestan Square

اولویت	مقدار آزمون	میزان معناداری	بعد - رمزگان	اولویت	مقدار آزمون	میزان معناداری	بعد - رمزگان
15	0.74	0.042	عملکردی- اولویت کاربری‌های سیاسی و مرتبط دولتی	1	0.99	0.02	حرکت و دسترسی- ارجحیت حرکت به‌جای مکث با غلبه شدید سواره
				2	0.98	0.012	ریخت‌شناسی- تسلط بناها
16	0.72	0.050	عملکردی- عدم کاربری‌های موجود در رفع نیاز کاربران	0.021	0.021	0.021	بصری- موانع دید و کاهش انگیزه حضور
							بصری- کاهش نشانه‌های تاریخی
17	0.71	0.056	بصری- سیاسی بودن میدان به سبب وجود آثار و ردپای سیاسی فراوان	0.056	0.056	0.056	حرکت و دسترسی- عدم دسترسی راحت به میانه میدان
							عملکردی- فراموشی کاربری‌های تاریخی
18	0.70	0.061	عملکردی- فراموشی کاربری‌های تاریخی	3	0.97	0.013	زیست‌بوم- تعبیه هدفدار عناصر طبیعی به منظور محدودیت حرکتی
19	0.68	0.062	عملکردی- عدم تعبیه مبلمان‌های مطلوب و گروهی	4	0.96	0.050	ریخت‌شناسی- جزیره میانی میدان (عدم یکپارچگی و ارتباط بدنه‌های میدان با یکدیگر)
20	0.67	0.063	حرکت و دسترسی- کاهش ایمنی شدید	5	0.93	0.016	زیست‌بوم - کاهش تمایل به حضور در میانه میدان عدم توجه به ملزومات اقلیمی
21	0.65	0.079	عملکردی- تعداد نسبتاً اندک کاربری‌های تجاری	0.021	0.021	0.021	عملکردی- عدم وجود مبلمان و تجهیزات شهری
							بصری- هدفدار بودن نوع معماری ساختمان مجلس جدید (کاهش دید به درون)
22	0.63	0.089	حرکت و دسترسی- عدم دسترسی مناسب و آسان	0.051	0.051	0.051	ریخت‌شناسی- جزیره میانی میدان (کاهش یکپارچگی فضا)
							حرکت و دسترسی- عدم انتخاب مسیر اختیاری
24	0.59	0.088	بصری- قراردادن نشانه سیاسی در ترکیب با مذهب (مجسمه میانی)	7	0.89	0.029	حرکت و دسترسی- نقش پررنگ سواره
				8	0.88	0.030	حرکت و دسترسی- عدم دسترسی آزاد پیاده و سواره به بناهای حکومتی-تاریخی
				9	0.87	0.031	زیست‌بوم- عدم مطلوبیت پوشش گیاهی و عناصر طبیعی
25	0.55	0.090	ریخت‌شناسی- حس سردرگمی	0.050	0.050	0.050	بصری- عدم هماهنگی بنای جدید مجلس با زمینه میدان (آشتگی بصری)
							حرکت و دسترسی- هدایت به بخش‌های جدید با هدایت مسیرهای سواره و پیاده (در صورت وجود)
26	0.50	0.085	حرکت و دسترسی- کنترل حرکت مردم	0.042	0.042	0.042	حرکت و دسترسی- کیفیت مسیر پیاده
27	0.47	0.088	عملکردی- کاهش بسیار شدید کاربری‌های تفریحی				
28	0.41	0.091	حرکت و دسترسی- انتقال ساختمان مجلس نمایندگان در مجاورت محور عریض سواره	12	0.78	0.045	بصری- تأثیر بهسازی نماهای فرسوده بر میزان حضورپذیری



3- نتایج و بحث

در این بخش با انطباق نتایج به دست آمده در لایه‌ها، عواملی که منجر به هژمونیک شدن فضا شده‌اند، شناسایی می‌شوند. این عوامل در پنج بعد فضای عینی دسته‌بندی شده‌اند.

لازم به ذکر است که در این بخش با استناد به نتایج بررسی در سه لایه قدرت، عینیت و ذهنیت، رمزگان‌های عینی (مصادیق کالبدی) که بر هژمونیک درک شدن فضا تأثیر دارند، شناسایی شده‌اند.

3-1- شناسایی رمزگان‌های عینی مؤثر بر هژمونیک

شدن فضا در بعد حرکت و دسترسی

نماندن در فضا و غلبه حرکت بر سکون: این عامل، اولین و مؤثرترین عامل در بالا بردن ارزش سلطه در میدان بهارستان محسوب می‌شود. بررسی طرح‌های فرادست نیز نشان داد، در بیشتر طرح‌ها تأکید بر سواره بودن و ایجاد رینگ سواره در اطراف محدوده مجلس و میدان بهارستان مورد توجه بوده است. بنابراین در محدوده با گسترش عرض سواره و یک سویه کردن تمامی مسیرها، سرعت بالای سواره تأمین و کاهش ایمنی برای حرکت پیاده اتفاق افتاده است.

عدم انتخاب مسیر دلخواه برای حرکت در محدوده:

عدم ایمنی کافی، وجود موانع حرکتی از عناصر کالبدی مثل دوربین و موانع فیزیکی جهت ممنوعیت حضور گرفته تا عوامل انسانی چون پلیس و نیروهای لباس شخصی و همچنین هدایت افراد به وسیله خط‌کشی عابر پیاده از نقاط مشخص، همگی حاکی از عدم آزادی انتخاب در مسیر حرکت می‌باشند.

نقش پررنگ سواره و کاهش کیفیت مسیرهای پیاده:

تمامی طرح‌های پیشنهادی جز در مواردی چند، عاملی برای تبدیل شدن میدان فرهنگی به جولانگاه خودروها شده‌اند که شاید هدف آنها، کاهش حضور مردم و عدم تکرار رویدادهای تاریخی باشد. در واقع اگر یک فضا مناسب حضور مردم باشد، اشتراک اندیشه‌ها و حضورپذیری سبب مشارکت مردم با امور سیاسی شده و این عامل ممکن است تهدیدی برای نظام سیاسی غیر دموکراتیک باشد. طرح‌های پیشنهادی بعد از طرح

جامع (ملقب به طرح ساماندهی) سال 1378 به صورت کلی به نقش پیاده اشاره داشته‌اند و طرح توسعه نیز اهمیت مسیرهای پیاده را در کل منطقه 12 مدنظر قرار داده است. اما به نظر می‌رسد به دلیل مشکلات زیرساختی و نبود حمل‌ونقل یکپارچه این امر، حقیقتی دور از انتظار باشد. کف‌سازی در قسمت جنوبی میدان نیز به استناد طرح‌های مذکور برای مدتی اجرا و پس از آن ناتمام ماند که خود عاملی برای اولویت دادن بیشتر به سواره و نقش کم‌رنگ‌تر پیاده شد.

3-2- شناسایی رمزگان‌های عینی مؤثر بر هژمونیک

شدن فضا در بعد بصری

وجود موانع بصری: عدم ارائه پیشنهادها و اقدامات لازم برای حذف موانع و آشفتگی بصری که سبب ناخوشایندی شده و انگیزه حضور را نیز از بین می‌برد؛ در کنار کیفیت بصری در حال از دست رفتن بناهای تاریخی، آن‌ها را از دید عموم پنهان می‌کند. موانع بصری سخت و نرم در اطراف محدوده‌های سیاسی که مانع از حضور و دید می‌شود، سبب نوعی تسلط و هدایت به برخی نقاط «صرفاً» مجاز شده که نشان از کدگذاری هژمونیک دارد. البته در طرح پیشنهادی سازمان زیباسازی، مرمت و رفع آلودگی برخی بناها مورد توجه قرار گرفت که در مجاورت ساختمان‌های فرسوده چیزی جز ایجاد تفاوت فاحش به ارمغان نیاورد. **تأکید بر نشانه‌های سیاسی و کم توجهی به نشانه‌های تاریخی:** اینکه میدان در خدمت امور سیاسی و حکومتی باشد از زمان قاجار شروع و زمین باغ‌های تاریخی در اختیار بناهای فرهنگی و ابعاد سیاسی قرار گرفت؛ تا به امروز که رفته‌رفته میدان، جهت اتصال به ساختمان مجلس و ارتباط نزدیک ارگان‌ها به یک‌دیگر مورد توجه قرار گرفت و طرح‌های پیشنهادی و اجرایی با اولویت مجلس و سازمان‌های مربوط مد نظر قرار گرفت. در وضع موجود نیز زمین‌های متروکه و تاریخی به اختیار ساختمان و بناهای سیاسی-حکومتی درآمده-اند و نشانه‌هایی که در مغایرت با سیاست نظام حاکم بود، حذف شده‌اند. همچنین هدایت دید به سمت نشانه‌های سیاسی جدید در تعامل با نظام‌های سیاسی

عدم تنوع کاربری‌ها برای رفع نیاز کاربران و اولویت کاربری‌های سیاسی و مرتبط دولتی: گسترش کاربری‌های اداری به‌ویژه در شمال و شمال شرق میدان، سبب کاهش حضور نسبت به حوزه‌ی جنوبی شده و خاموشی در بسیاری از ساعات روز در مجاورت بناهای سیاسی و حکومتی حاکم است. همچنین کیفیت پایین کالاها و مجموعه‌های تجاری، نوعی اجتماع‌گریزی را به‌وجود آورده و بستر حضور اقشاری خاص شده است. پیشنهاد تنوع کاربری در طرح تفصیلی برای میدان بهارستان مدنظر بوده که تا کنون به اجرا در نیامده و هیچ‌گونه فضای تفریحی با وجود زمین‌های مخروبه پیشنهاد نشده است.

فراموشی کاربری‌های تاریخی: بارز نبودن بناهای حکومتی منجر به فراموشی رویدادهای تاریخی و اتفاقات فرهنگی است، به‌طوری‌که بسیاری از کاربری‌های تاریخی در اختیار کاربری‌های حکومتی قرار گرفته و ممنوعیت حضور در بسیاری از ساعات را برای عموم به وجود آمده است. همچنین عدم تمهیدات و اجرای دستورات سازمان میراث فرهنگی مبنی بر رعایت حریم بناهای تاریخی نیز مد نظر قرار نگرفته و قدرت در مقابل تاریخ و گذشته میدان قد علم کرده است.

3-5- شناسایی رمزگان‌های عینی مؤثر بر هژمونیک شدن فضا در بعد ریخت‌شناسی

تسلط بناها: ساخت‌وسازهای خارج از ضوابط سبب نوعی تسلط شده است. به‌ویژه در مجاورت ساختمان قدیم، پیش‌آمدگی‌ها ضمن هدایت دید، به تغییر فرم هندسی میدان منجر شده‌اند و حس تسلط بر کاربران القا می‌شود. همچنین ضوابط ارتفاعی طرح‌های فرادست به ویژه در ارتباط با بناهای حکومتی، نادیده گرفته شده و علاوه بر حس محصوریت نوعی تسلط بر کاربران پدید آمده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد این بناها به مانند یک قدرت برتر بر کرسی نشسته‌اند.

حفظ جزیره‌ی میانی برای کاهش تجمعات مردمی و تشویق به حرکت سواره: این امر به نوعی یکپارچگی و ارتباط بدنه‌های میدان با یکدیگر را کاهش می‌دهد. همچنین گسترش عناصر سخت و نرم در فضای میانی

موجود در اولویت قرار گرفت. هدفدار بودن نوع معماری ساختمان مجلس جدید (کاهش دید به درون): ساخت مجلس جدید با معماری متضاد با زمینه (با تأیید کمیسیون ماده 5)، با هدف نشان دادن قدرت حاکمیت جدید نیز از دیگر تأکیدات طرح است. در این نوع معماری، هیچ‌گونه دیدی به داخل وجود ندارد و موانع بصری زیادی با سیاست پنهان و به بهانه امنیت لحاظ شده است. همین امر سلطه‌ی قدرت و تصمیم‌سازی حکومتی در مقابل مشارکت مردم را نشان می‌داد. به‌نظر می‌رسد بازگشت به معماری دوران مشروطه، می‌تواند نشان از بازگشت به افکارحاکمان آن دوره تلقی گردد و لذا باید از آن دوری گزید.

3-3- شناسایی رمزگان‌های عینی مؤثر بر هژمونیک شدن فضا در بعد زیست بوم

تعبیه هدفدار آبنا و پوشش گیاهی: همان‌گونه که - به‌نظر می‌رسد، عناصر طبیعی بیشتر با هدف مسدودیت دید طراحی شده‌اند و به گفته برخی برای به‌حاشیه‌راندن و فراموش کردن عنصر مجلس و رویدادهای مهمی که می‌تواند در ساختمان مجلس اتفاق بیفتد.

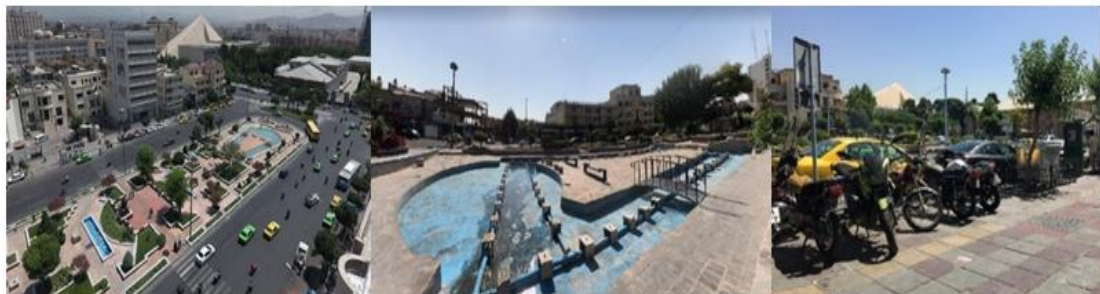
عدم مطلوبیت پوشش گیاهی و ملزومات اقلیمی: عدم مطلوبیت استقرار درختان و نوع پوشش گیاهی از منظر سبزی‌نگی و آسایش محیطی برای کاربران در فصول سال، مشکلاتی از قبیل عدم حضور و نوعی حس ناخوشایندی از مطلوبیت پوشش گیاهی به‌خصوص در میانه میدان ایجاد کرده که هیچ کاربری را به خود جلب نمی‌کند. همچنین عدم تمایل برای دقایقی استراحت در جزیره میانی به‌دلیل عدم ایمنی و حس کنترل با دوربین نصب شده در میدان، نشان از سلطه و کنترل بر فضا است.

3-4- شناسایی رمزگان‌های عینی مؤثر بر هژمونیک شدن فضا در بعد عملکردی

کمبود مبلمان و تجهیزات شهری: کمبود مبلمان و عدم قرارگیری صحیح آن‌ها در موقعیتی مناسب و گاه هدفدار و بعضاً برای کنترل افراد، نه تنها حضورپذیری را کم می‌کند، بلکه حضور با حس ناامنی و کنترل نیز القاء می‌شود.

می‌دهد. در طرح‌های فرادست برای کاهش ترافیک محدوده، وجود میدان امری مهم در کنترل سواره و هدایت آن‌ها دانسته شده است.

علاوه بر ایجاد آسفتگی و کاهش فضا برای تجمعات مردمی بر تشویق حرکت سرعت بالای سواره تأثیر داشته و به افراد، کمتر اجازه ورود به میانه میدان را



شکل 4- تصاویری از بعد بصری و موانع بصری (راست)، بعد زیست‌بوم و عدم مطلوبیت پوشش گیاهی و ملزومات اقلیمی (میانی) و بعد حرکت و دسترسی و غلبه سواره (چپ)

Figs. 4-Images of visual dimension and visual blockage (right), environmental dimension and lack of appropriate vegetation and climatic requirement (Center) and movement and access dimension and overcome of vehicles (left)



شکل 5- تصاویری از بعد عملکردی و کمبود مبلمان و تجهیزات شهری مناسب (راست)، بعد ریخت و غلبه برخی توده‌ها بر فضا (چپ و میانی)

Figs. 5- Images of functional dimension and lack of proper urban furniture and equipment (right), morphological dimension and predominance of some masses over space (left and center)

تأثیر و نقش قدرت (در برنامه‌ریزی) در یکی از مهم-ترین فضاهای سیاسی-حکومتی یعنی میدان بهارستان مورد بررسی قرار گرفت و با تکیه بر رویکرد نشانه-شناسی (مبتنی بر سیر تکوینی) داده‌های حاصل از بررسی‌ها در متن فضا، تحت عنوان لایه‌های قدرت، عینی و ذهنی تفسیر گردید. نتایج حاصل از انطباق لایه‌ها نشان از الگوی فضایی است که سلطه و کنترل رفتار کاربران حرف اول را می‌زند؛ بنابراین فضا با تمام پتانسیل‌های لازم برای فرهنگی بودن در بستر موجود، الگویی غیر از آن‌را پیش گرفته است. بدین منظور رمزگان‌های لایه قدرت نشان می‌دهد که عینیت میدان بهارستان با هدف کاهش حضور مردم و محدودیت در

4- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از مطالب بررسی شده، مشخص است، نظام سیاسی بر محتوای زندگی مردم تأثیر دارد. بنابراین هیچ فضای منحصربه‌فردی برای امتناع وجود ندارد؛ بلکه همواره سازوکارهای قدرت، به‌واسطه نیروهای مختلف کالبدی (طراحی فضا) و غیر کالبدی (گروه‌های اجتماعی) حضور دارند (Ghasemifar, 2020). نتایج تحلیل انتقادی پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی در حیطه-ی سیاست و برنامه‌های حکومتی گرفته می‌شود و به عنوان زیرشاخه‌های قدرت برتر نشانه‌های کالبدی مدنظر خود را ایجاد می‌کنند. در این پژوهش بررسی



شوند و همین امر سبب تقویت و گسترش فرهنگ زمینه‌ای می‌شود و فرصت را برای خلاقیت، آزادی رفتار و هم‌اندیشی افراد فراهم می‌آورد؛

- حفظ منافع شخصی و جمعی افراد در کنار یکدیگر و تقویت مشارکت در سازماندهی فضایی، سبب حفظ نقش فضا شده و مانع از بروز فعالیت‌های غیر فرهنگی می‌شوند؛

- تقویت و گسترش سیاست آشکار که این امر با هدف اجازه‌ی حضور آزادانه مردم و امکان نظرخواهی از آنها را فراهم می‌آورد؛

- تقویت نقش تاریخی، سیاسی و فرهنگی؛

- توجه به ذهنیت شهروندان و امکان مشارکت افراد در تهیه طرح‌ها.

- حفظ زمینه‌گرایی با هدف گسترش معناپذیری، که توجه به این اصل موجب احترام به رویدادهای هویتی و حفظ عناصری که سبب خاطره‌انگیزی و بازنمود تاریخ برای افراد است، می‌شود؛

- ایجاد بستر مناسب جهت گسترش حس امنیت و انجام رفتارهای آزادانه متناسب با هنجارهای جامعه.

ملاحظات مرتبط با لایه عینی:

- **بعد حرکت و دسترسی:** توجه به نقش پیاده در ارائه طرح‌های پیشنهادی؛ افزایش دسترسی ایمن و آزاد از طریق ساماندهی مسیرهای پیاده.

- **بعد بصری:** رفع موانع فیزیکی و بصری برای حضور بیشتر افراد؛ نفوذپذیری بصری در جداره‌ها به‌خصوص در مجاورت بناهای تاریخی با هدف رویت روایت‌های موجود در فضا و حس مشارکت و حضور بیشتر.

- **بعد زیست‌بوم:** توجه به تحقق آسایش محیطی و اقلیمی که حضور، مکث و گفتگو را بیشتر می‌کند؛ تقویت چشم‌انداز طبیعی که عاملی مهم در خوشایند بودن فضا به حساب می‌آید.

- **بعد عملکردی:** تقویت فضاهای جمعی و مکان‌یابی صحیح آن‌ها؛ انعطاف عملکردی به لحاظ زمانی و مکانی.

- **بعد ریخت‌شناسی:** افزایش یکپارچگی و پیوستگی فضایی در کف، جداره و سقف به جهت کاهش حس سردرگمی موقع حضور در فضا.

انتخاب آزاد فعالیت و رفتارها به‌عنوان اصل محسوب شده است؛ چراکه صحت این امر در لایه ذهنی مورد بررسی قرار گرفته است. شاید یکی از دلایل آن، متولیان باشند که نه قانون را می‌دانستند و نه تاریخ را، چون کسی که تاریخ و هویت یک فضا را بداند، دست به نابودی آن نمی‌زند. به هر روی، فضای میدان بهارستان همانند بسیاری از فضاهای دیگر دست‌خوش تصمیمات سیاسی شده است. بارزترین تأثیر پس از تبدیل میدان به جولانگاه سواره‌ها، ساختمان هرمی مجلس است که با وسعتی عظیم بر میدان نهاده شده و به‌عنوان نشانه سیاسی بر کل میدان قدرت نمایی می‌کند. این امر علاوه بر تأثیر شدید بر ادراک استفاده‌کنندگان، سبب شکسته شدن حریم‌های بصری (گسستگی پیوند دید بین محیط و اثر) و کارکردی (گسستگی پیوند کارکردهای شهری و مراکز تاریخی) شده است. طبق نتایج حاصل از بررسی‌ها، بعد حرکت و دسترسی (با هدف تسلط هر چه بیشتر سواره و تشویق به حرکت)، عملکردی (عدم تنوع فعالیتی و کمبود تجهیزات شهری مناسب) و بصری (گسترش هر چه بیشتر موانع بصری)، بیشترین تأثیرگذاری را بر هژمونیک شدن فضا داشته و بعد ریخت‌شناسی (تسلط بناهای سیاسی-حکومتی) و زیست‌بوم (عدم مطلوبیت پوشش گیاهی و گاهی تعبیه هدفدار آن‌ها)، تأثیرگذاری کمتری بر ادراک هژمونیک بودن فضا دارند. در ادامه به‌منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش پیشنهادها کلی برای تعدیل فضای هژمونیک در لایه‌های مرتبط با قدرت و ذهنیت و عینیت ارائه شده و بدون شک فارغ از تمهیدات طراحانه و برنامه‌ریزان، دستیابی به فضاهای عمومی شهری مردمی، نیازمند تغییر نگرش به ساختار نظام قدرت است که در آن حمایت از کرامت فردی برای مشارکت و توجه به رویکردهای ارتباطی و همکارانه بسیار ضروری است.

ملاحظات مرتبط با لایه قدرت همسو با لایه ذهنی:

- تقویت و ایجاد نهادهای آموزش سیاسی-فرهنگی و مسئولیت شهروندی که ایجاد چنین گروه‌هایی سبب گسترش مشارکت شهروندی و نظارت مردم بر تصمیماتی که به نفع یا بر علیه مردم هستند، می-



Bavand Consulting Engineers (2004). Region 12 Development Model, Central Restructuring Plan of Tehran. Report of the first stage, Deputy of Urban Planning and Architecture of Tehran Municipality. [in Persian].

Benton, T. and Craib, I. (2017). Philosophy of Social Science: The Philosophical Foundations of Social Thought (Traditions in Social Theory). Translated by: Mosamaparast, Sh. Tehran: Agah publication. [in Persian].

Chomsky, N. (2000). New Horizons in the Study of Language and Mind. Cambridge University.

Clarke, D. (1987). A New Basis for Moral Philosophy. Ireland: University of Cork.

Daneshpour, A. et al. (2012). An Investigation to the Function and Meaning of Modern City Form through Stratified Semiotics Approach. Journal of architecture and urban planning. 11, 71-87. [in Persian].

Danesi, M. (2004). Messages signs and meanings. Third edition, Canada: University of Toronto. Dovey, K. (1999). Framing Places: Mediating power in built form, London: Routledge.

Daniyali, A. (2014). Michel Foucault, Aesthetic Asceticism as an Anti-Visual Discourse. Tisa Publication. [in Persian].

Davoudi, A. (2011). Power relation in the thought of Michel Foucault. Journal of Political Studies. 12, 93-116. [in Persian].

Dovey, K. (1999). Framing Places: Mediating power in built. London: Routledge.

Dovey, K. (2010). Becoming Places: Urbanism, Architecture, Identity and Power. University of Melbourne.

Dreyfus, H., Rabinow, P. (2019). Michel Foucault: beyond structuralism and hermeneutics. Translated by: Bashiriyeh, H. Tehran: Ney Publication.

Eco, U. (1979). A Theory of Semiotics, Bloomington. Journal of Cambridge University Press, 6 (1), 78-82.

Foucault, M. (1990). Politics, Philosophy and Culture. Interview and other Writings. Edited with an Introduction by Lawrence D. Kritzman, New York: Routledge.

1 Rafał Myszka and Kinga Niedziółka-Rybak

2 Kim Dovey

3 Becoming Places: Urbanism, Architecture, Identity and Power

4 به‌منظور بررسی تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی برای بررسی میزان معناداری

رابطه بین متغیر وابسته و مستقل استفاده می‌شود. در اینجا متغیرهای وابسته

«هژمونیک بودن میدان بهارستان و محدوده بلافل» ، متغیرهای مستقل «پنج

بعد مذکور» هستند؛ و از آزمون گاما و ضریب توافقی برای مقیاس داده‌های ترتیبی

و اسمی در هر قسمت استفاده شده است. بدین ترتیب، آزمون میزان معناداری در

صورتی که کمتر از 0.05 باشد، به احتمال 95% رابطه معنادار است و اگر کمتر از

0.1 باشد به احتمال 90% معنادار است.

منابع

Abdelhalim, K. (2010). Participatory upgrading of informal areas: A decision-makers' guide for action. Cairo. Egypt: Participatory Development Programme in Urban Areas (PDP).

Afroogh, E., Olyaei, A. (2019). Cultural justice; an element of the Alawi government. Political Science. 85, 91-117. [in Persian].

Amraei, B. (2014). Interdisciplinary analysis of the relationship between form and space. Honar-ha-ye-Ziba Memari-va, 4, 25-36. [in Persian].

Ashrafi, Y., et al. (2014). Conceptualization and typology of contemporary urban public space. Geographical Urban Planning Research. 4, 435-464. [in Persian].

Barati, N., Heidari, F., and Sattarad Fath, M. (2019). Towards a Democratic Process in Urban Planning and Design; Assessing the Status of Citizens' Involvement in Urban Plans and Projects in Iran. Bagh-e Nazar. 76, 5-22. [in Persian].

Bashiriyeh, H. (2016). History of political thought in the twentieth century: Liberalism and Conservatism. Tehran: Ney publication. [in Persian].

Bastanirad, H. (2011). Baharestan in history. Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Persian].

Bavand Consulting Engineers (2003). Renovation project of the former National Assembly building. Tehran: Bavand Consulting Engineers. [in Persian].



Communication Technology Organization. [in Persian]

Maleki et al., (2015-2016). Improving the facade and landscape of Baharestan Square. Tehran Beautification Organization, Deputy of Advertising and Revenue. [in Persian].

Manzo, L.C. (2005). ForBetter or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Journal of Environmental Psychology*. 25 (4), 67-86.

Masoudniya, H., Mahdipour, A. (2011). Tribal political culture and political participation in Ilam. *Political and international approaches*. 26, 61-89. [in Persian].

McGuirk, P. M. (1995). Power and influence in urban planning: Community and property interests' participation in Dublin's planning system. *Irish Geography*, 28 (1), 64-75.

Mehrazan Consulting Engineers (1374). Tehran Façade Organizing Plan. Deputy of Urban Planning and Urban Architecture of Tehran. [in Persian].

Mohsenianrad, M. (2006). Communication: Human communication (interpersonal, group and collective). Islamic Republic of Iran broadcasting.

Myszka, R., Kinga, N.R. (2018). Authority and urban space in the city landscape. *Urban Development Issues*. 59, 55-63.

Naghsh-e Jahan Pars Consulting Engineers (1999). Comprehensive Plan of the Islamic Consultative Assembly. First stage report. [in Persian].

Ozaki, R., Coolen, H. (2005). Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling. OTB Research Institute for Housing, Urban and Mobility Studies, Delft: University of Technology.

Rabei, Z. (2006). Designing and Revising of Landscape Architecture of Baharestan Square. Master Thesis in Urban Design, Tehran: Tehran University. [in Persian].

Rahmatollahi, H., and et al. (2017). An approach on role state in enforcement citizen culture participation. *Esfahan University, Organizational culture management*. 21, 331-351. [in Persian].

Foucault, M. (2011). The birth of biopolitics. Translated by: Najafzade, R. Tehran: Ney publication. [in Persian]

Frantz, R. (2005). Two Minds: Intuition and Analysis in the History of Economic Thought. Singapore: Springer US.

Ghasemifar, A. (2020). Foucault, Truth and Power: Foucault's reading of "Sorbs" by Mario Vargas Llosa. Dastan Publication. [in Persian].

Hoseynpourbeyji. H. (2013). Strong impact on how the formation and development of Tehran central Squares. Master Thesis. Tehran: Islamic Azad University. [in Persian].

Husserl, E. (2002). Ideas, General Introduction Pure Phenomenology. Translate: W.R. Boyce Gibson, George, Allen and Unwindle, New York: Humanities.

Jalali, R. (2009). What are the examples of hegemonic stability theory? *Encyclopedia of Science and Research Branch*, 77-53. [in Persian].

Khatwani, G., Singh, S. P., Trivedi, A. and Chauhan, A. (2015). Fuzzy-TISM: A fuzzy extension of TISM for group decision making. *Global Journal of Flexible Systems Management*, 16 (4), 97-112.

Khojamli, A. (2016). Geopolitics of Urban Landscape: The Relation between Politics and Power with Urban Symbolization. PhD Dissertation in Political Geography. Tehran, Trabiati Modares University. [in Persian].

Khorsandi Aghaei, A., Maleki, A. (2005). Qanat in Iran: A Case Study of Tehran Qanats. T in Persian eهران: Urban processing and planning company. [in Persian].

Lashgari Tafreshi, E. et al. (2017). Theoretical explanation of the functions of political power in urban space. *Geographical Research*. 2, 52-66. [in Persian]

Lefebvre, H. (1991). The Production of Space. Translated: D Nicholson-Smith, University of British Columbia.

Madanipour, A. (2010). Public and Private space of the city. Translated by: Nourian, F. Tehran: Publications of Municipal Information and



Tarh Andishan-e Shahr Consulting Engineers (2012-2013). Improving Baharestan Square. Tehran City Beautification Organization. [in Persian].

Tehran Comprehensive Plan (2007). Strategic-structural plan for the development of Tehran. [in Persian].

The first specialized workshop to review the special plan for renovation of old tissues (2005). Deputy of Planning and Development of Tehran Renovation. [in Persian].

Vahabzadeh, N. (2005). Study and Reorganization Plan of Baharestan Square based On Urban Regeneration Approach. Master Thesis in Urban Design, Tehran: University of science and Tecnology of Iran. [in Persian].

Van Dijk, T.A. (2016). Ideology. In The International Encyclopedia of Political in Persian mmunication. <https://doi.org/10.1002/9781118541555.wbiepc011>.

Zimran, M. (2014). Foucault: Knowledge and power. Tehran: Hermes publication. [in Persian].

Rezazadeh, R. (2005). Application of environmental sciences in the process of urban design studies. Honar-ha-ye-Ziba Memari-va-Shahrsazi, 24, 37-44. [in Persian].

Sharifian, E. (2011). The role of the concept of unity in urban design. Master Thesis in Urban Design, Tehran: University of Trabiati Modares. [in Persian].

Shieh, E., Behzadfar, M., and Namdarian, A. (2017). Theoretical framework Codification for urban scape using "the production of space" theory and influential forces on scape. Motaleate Shahri. 24, 81-94. [in Persian].

Sojoudi, F. (2008). Applied semiotics. Second edition. Tehran: Elm Publication. [in Persian]

Sojoudi, F. (2011). Semiotics: theory and practice. Tehran: Elm Publication. [in Persian]

Soltani, A., Namdarian, A. (2011). Investigation of the role of urban space in achieving sustainable development: describing communication paradigm. Bagh-e Nazar. 18, 3-18. [in Persian].